

واکاوی نهاد وقف در سده هشتم هجری و نقش آن در توسعه کالبدی شهر یزد

نگین کاظمیان شانديز^۱، ندا حاجی صادقی^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۲. دکتری تخصصی مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

چکیده

وقف، به عنوان یکی از پایدارترین نهادهای فرهنگی و اجتماعی در تمدن اسلامی، همواره نقشی بنیادین در شکل‌گیری و تداوم حیات شهری ایران داشته است. این پژوهش باتکیه بر این اصل، تأثیر نیت خیرخواهانه و نگرش مذهبی، اجتماعی و اقتصادی واقفان را در سامان‌دهی ساختار کالبدی و اجتماعی شهر یزد در سده هشتم هجری مورد شناسایی و تحلیل قرار می‌دهد. اهمیت این مطالعه در آن است که بازخوانی دقیق این الگوی تاریخی، مبنای علمی برای باززنده‌سازی بافت تاریخی و تدوین راهبردهای برنامه‌ریزی توسعه پایدار فراهم می‌آورد و می‌تواند الگویی بومی از پیوند نهادهای فرهنگی و توسعه پایدار، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی را به ادبیات بین‌المللی شهرسازی معرفی نماید. در پاسخ به این پرسش‌محوری که «نهاد وقف در سده هشتم هجری چه نقشی در شکل‌دهی و توسعه کالبدی شهر یزد داشته است؟»، این تحقیق بر این فرضیه استوار است که وقف نقشی تعیین‌کننده در جهت‌دهی توسعه کالبدی و تقویت ساختار اجتماعی-فرهنگی شهر ایفا کرده، به طوری که سازمان فضایی شهر در پیوندی مستقیم با نوع و توزیع موقوفات شکل گرفته است. روش‌شناسی تحقیق از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و تاریخی-تفسیری بوده و داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای، اسناد تاریخی و بازدید میدانی گردآوری شده‌اند و تأثیر موقوفات بر شبکه فضایی شهر از طریق تحلیل روابط مکانی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که واقفان در قرن هشتم هجری با تأسیس قنات‌ها و بناهایی عام‌المنفعه، نقشی اساسی در سازمان‌دهی فضایی شهر یزد و تأمین نیازهای مذهبی، آموزشی، درمانی و خدماتی جامعه ایفا نموده‌اند. در قرون گذشته، استمرار سنت حسنه وقف یکی از عوامل پویایی و تداوم رشد و گسترش شهر یزد بوده است و می‌توان از نهاد وقف به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر حفظ و ماندگاری تعداد قابل‌توجهی از بناهای سده هشتم هجری نام برد.

تاریخ دریافت:

۱۵ دی ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۳۰ خرداد ۱۴۰۵

کلیدواژه‌ها:

توسعه کالبدی،
سده هشت هجری،
دوره آل مظفر،
بناهای موقوفه،
یزد

doi : 10.22034/ahdc.2026.24169.1902

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



۱- مقدمه

شهر یزد همواره مأوای مردمانی نیکوکار بوده است؛ مردمانی که ایمان خود را از طریق سنت دیرینه وقف، در جهت رفاه نیازمندان متجلی ساخته‌اند. از صدر اسلام، گسترش موقوفات در این دیار چنان گسترده بود که بخش قابل توجهی از ابنیه، مزارع و قنوات یزد را در برمی‌گرفت (دانش‌یزدی، ۱۳۸۷: ۷۷). در سده هشتم هجری و هم‌زمان با دوره ایلخانی و شکوفایی آل مظفر، نهاد وقف با صورتی نظام‌مندتر در سازمان فضایی یزد ظهور یافت. این دوره نقطه عطفی در توسعه کالبدی شهر به‌شمار می‌آید؛ چراکه موقوفات نه تنها موجب احداث بناهای درشت‌دانه و عام‌المنفعه، همچون مدارس، خانقاه‌ها، مساجد و آب‌انبارها، شدند، بلکه در گسترش حصار شهر و شکل‌گیری کالبد تاریخی آن نیز نقشی کلیدی داشتند. باوجود اهمیت بنیادین وقف در سازمان کالبدی-فضایی یزد، بخش عمده پژوهش‌های موجود صرفاً به کارکردهای مذهبی یا اقتصادی وقف پرداخته‌اند و نقش جامع و سیستماتیک آن در هدایت توسعه شهری، سامان‌دهی فضاهای شهری و تثبیت ساختار اجتماعی شهر کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است. پژوهش حاضر باتکیه بر منابع تاریخی، وقف‌نامه‌های خطی و شواهد کالبدی، در پی تحلیل سازوکارهای اثرگذاری واقفان بر توسعه کالبدی و هویت فضایی شهر یزد است و می‌کوشد افق تازه‌ای در بازخوانی توسعه شهری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی-ایرانی بگشاید. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام تحقیق حاضر را آشکار می‌سازد و زمینه را برای واکاوی تطبیقی و تحلیلی نقش وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری یزد در سده هشتم هجری فراهم می‌آورد. بر همین اساس، سؤالات اصلی تحقیق به این صورت قابل طرح است:

نهاد وقف چه انواعی از زیرساخت‌ها و عناصر مؤثر در آبادانی و توسعه کالبدی را طی سده هشتم هجری در شهر یزد پدید آورده است؟

مجموعه‌های وقفی ساخته‌شده در سده هشتم هجری چگونه بر رشد و توسعه کالبدی شهر یزد تأثیر گذاشته‌اند؟

۲- پیشینه پژوهش

مطالعات تاریخی و جغرافیایی نشان می‌دهند که اطلاعات موجود درباره شهر یزد در منابع کهن، عمدتاً محدود و پراکنده‌اند و بیشتر به توصیف‌های گذرا و مختصر از این شهر پرداخته‌اند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۹۸؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۳۶). این کمبود داده‌ها، اهمیت رجوع پژوهشگران به متون محلی، وقف‌نامه‌ها و اسناد تاریخی را در شناخت روند شکل‌گیری و توسعه کالبدی و فضایی یزد بیش‌تر می‌کند. قدیمی‌ترین کتاب مرتبط با تاریخ شهر یزد، «مواهب الهی در تاریخ آل مظفر»، اثر معین‌الدین محمد معلم یزدی، از سرگذشت خاندان آل مظفر اطلاعات ارزشمندی در اختیار می‌گذارد (معین‌الدین محمد معلم یزدی، ۷۵۷-۷۶۷ ه.ق). آثار تاریخی دیگری، چون کتاب «تاریخ یزد»، اثر جعفر بن محمد بن جعفر (جعفری، ۱۳۸۴)، و تکمله آن، «تاریخ جدید یزد»، نوشته احمد بن حسین کاتب یزدی (کاتب، ۱۳۸۶)، تصویری نسبتاً کامل از تحولات شهری یزد تا نیمه دوم قرن نهم هجری ترسیم می‌کنند. قدیمی‌ترین سند مرتبط با وقفیات شهر یزد، «وقف‌نامه جامع‌الخیرات»، منسوب به سید رکن‌الدین قاضی، است که از مهم‌ترین منابع شناخت ساختار اجتماعی و مکانی یزد در سده هشتم به‌شمار می‌آید (رکن‌الدین حسینی‌یزدی، ۱۳۶۵). «وقف‌نامه ربع رشیدی»، اثر خواجه شیخ فضل‌الله همدانی (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۶)، نیز در بخش املاک یزد، موقوفات یزد را معرفی می‌کند. همچنین، نجم‌الدین محمد مستوفی در «جامع مفیدی» (۱۰۶۳-۱۰۶۸ ه.ق)، بخشی از موقوفات یزد را ثبت کرده است (مفیدی، ۱۳۸۵: ۶۵۸). منابع دیگری مانند کتاب «محلات تاریخی یزد» (خادم‌زاده، ۱۳۸۶)، درباره ساختار کالبدی محلات تاریخی یزد، و کتاب «معماری دوره آل مظفر» (خادم‌زاده، ۱۳۸۷)، اطلاعات دقیقی درباره بناهای دوره آل مظفر در یزد ارائه می‌دهند. همچنین، متونی چون «یادگارهای یزد»، اثر ایرج افشار (افشار، ۱۳۵۴)، و «خاطرات محمداقبر منشی‌زاده» (منشی‌زاده، ۱۳۸۷)، از جمله منابع ارزشمند در بازشناسی تحولات شهری این منطقه به‌شمار می‌روند. افزون بر این، پژوهش‌های تکمیلی متعددی نیز در سال‌های اخیر انجام شده است که هر یک از زاویه‌ای خاص، جایگاه وقف را به‌عنوان نهادی پایدار و سازمان‌دهنده در ساختار شهری یزد تشریح کرده‌اند.

در حوزه سازمان فضایی و توسعه کالبدی شهر یزد، می‌توان به پژوهش‌هایی همچون «روند توسعه تدریجی شهر یزد در ادوار تاریخی» (میرزایی‌وفدایی، ۱۳۸۵)، «ساختار کالبدی-فضایی شهر یزد از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره آل مظفر» (میردهقان و همکاران، ۱۳۹۸) و همچنین «مطالعه منطق چیدمان فضایی سکونتگاه‌های یزد مبتنی بر شبکه قنات» (شهری، ۱۴۰۱) اشاره کرد.

در زمینه تأثیر وقف بر شکل‌گیری و توسعه فضاهای شهری، پژوهش‌های زیادی بر روی تعداد قابل‌توجهی از شهرهای ایران، چون ری (فرهودی و میرشفیعی، ۱۳۸۷)، اصفهان (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۷؛ کلانتری خلیل‌آباد و همکاران، ۱۳۸۹)، ملایر (شمس و حجتی ملایری، ۱۳۸۹)، تبریز (کریمیان و مهدی‌زاده، ۱۳۹۳)، بیرجند (فاریابی و همکاران، ۱۳۹۵)، تهران (شاه‌حسینی، ۱۳۹۵)، کرمانشاه (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۸) و مشهد (کاظمی اندریان و نژاد ابراهیمی، ۱۴۰۰) انجام شده است و همه بر اهمیت نهاد وقف در رونق و توسعه کالبدی شهرهای مورد مطالعه صحنه گذاشته‌اند. باین‌حال، باتوجه‌به مستندات موجود از موقوفه‌های شهر یزد در سده هشتم، دوره اوج شکوفایی نهاد وقف در این شهر، و همچنین اهمیت بررسی جایگاه وقف به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در رشد و توسعه شهر، تاکنون پژوهشی مستقل و جامع در این خصوص نگاشته نشده است؛ لذا می‌توان پژوهش حاضر را نخستین تلاش در این حوزه دانست.

قابل‌ذکر است که پژوهشی با عنوان «سنت جاری وقف، عامل پایداری توسعه معماری و شهرسازی یزد در سده‌های هشتم و نهم ه.ق» (حسینی‌زاده، ۱۳۹۳) انجام شده است. در این پژوهش، اجمالاً به برخی وقفیات در شهر یزد پرداخته می‌شود و باتوجه‌به اصول کلی توسعه پایدار، نهاد وقف تحلیل می‌گردد؛ درحالی‌که مطالعه و تحلیلی روی توسعه کالبدی شهر صورت نگرفته است.

۳- مواد و روش‌ها

این پژوهش با هدف بازشناخت موقوفات و رقبات شهر یزد در سده هشتم هجری و تحلیل نقش نهاد وقف در رشد و توسعه شهر، با روش تاریخی-تفسیری انجام شده است. اساس روش تحقیق، تطبیق داده‌های اسنادی، متون تاریخی و شواهد کالبدی برای بازشناسی بناهای وقفی و روند شکل‌گیری و توسعه فضاهای شهری در دوره‌های ایلخانی، آل مظفر و همچنین ادوار بعد است. در گام نخست، اسناد وقفی و وقف‌نامه‌های شاخص این دوره، شامل وقف‌نامه ربع‌رشیدی، وقف‌نامه جامع‌الخیرات و مجموعه‌ای از وقف‌نامه‌های سنگی یزد، به‌عنوان منابع دست‌اول گردآوری و تحلیل شدند. در این مرحله، اطلاعات مربوط به نوع موقوفات، شیوه اداره آن‌ها، مصارف درآمدی و روابط عملکردی موقوفات با عناصر شهری استخراج و بررسی شد. نقد درونی اسناد، باتوجه‌به هدف نگارش هر وقف‌نامه، بخش اصلی تحلیل این مرحله را تشکیل می‌داد. در گام دوم، متون تاریخی و جغرافیایی همچون تاریخ یزد، تاریخ جدید یزد، جامع مفیدی و سایر توصیفات مرتبط با معماری دوره‌های ایلخانی و آل مظفر، به‌عنوان لایه دوم منابع مورد مطالعه قرار گرفتند. این متون داده‌هایی درباره شرایط اجتماعی، سیاست‌های اقتصادی دوره غازان‌خان، تحول مالکیت اراضی، وضعیت منابع آب و شکل‌گیری نهاد وقف در شهر یزد ارائه می‌کنند. تفاوت در نوع اشاره این متون به بناهای وقفی، مسیرهای ارتباطی و کاربری‌های شهری نیز به‌صورت تطبیقی تحلیل شد. در گام سوم، داده‌های تاریخی و اسنادی با شواهد کالبدی موجود در بافت تاریخی یزد تطبیق داده شدند. برای این منظور، بازدیدهای میدانی از محلات قدیمی، قنات اصلی، محورهای ارتباطی، کاروان‌سراها، مدارس، خانقاه‌ها، آب‌انبارها و دیگر عناصر وقفی انجام شد و موقعیت مکانی آن‌ها با توصیفات تاریخی تطبیق داده شد. همچنین، برای تکمیل این مرحله، اسناد ثبتی و نسخه‌های خطی موجود در اداره کل اوقاف یزد بررسی شد تا گستره و پراکنش موقوفات با دقت بیشتری مشخص شود. در گام نهایی، یافته‌های حاصل از اسناد تاریخی، منابع وقفی و شواهد کالبدی، با روش استدلال منطقی و تحلیل تفسیری ارزیابی شد. برای هر فرضیه، شواهد تأییدکننده یا تضعیف‌کننده در میان کلیت داده‌ها جست‌وجو شد تا از اتکا به نمونه‌های منفرد جلوگیری گردد. نتیجه این فرایند، دستیابی به مدلی یکپارچه برای توضیح نقش نهاد وقف در توسعه کالبدی شهر یزد در سده هشتم هجری است.

۴- معرفی بستر تاریخی، اجتماعی و کالبدی یزد در قرن هشتم هجری

دوره حکومت آل مظفر از مهم‌ترین مقاطع تاریخ شهر یزد به‌شمار می‌رود و به‌درستی می‌توان آن را نقطه‌ای کانونی در سیر تحولات تاریخی این شهر دانست. با قدرت‌یابی امیر مبارزالدین محمد، بنیان‌گذار سلسله آل مظفر، حکومت اتابکان یزد مغلوب شد و یزد به‌عنوان مرکز سیاسی و اداری این سلسله تثبیت گردید (ستوده، ۱۳۴۶: ۵۸). یزد در دوران حکومت امیر مبارزالدین و فرزندان او، به‌ویژه شاه یحیی، شاهد تحولات متعددی در زمینه عمران و آبادانی بود. اقدامات عمرانی صورت‌گرفته در این دوره، چنان اهمیتی داشت که احمد بن حسین بن علی کاتب در کتاب تاریخ جدید یزد، بخشی مستقل را به توصیف عمارت‌ها و بناهای ایجادشده به دست شاه یحیی و وابستگان او اختصاص داده است. برخی از این آثار معماری که یادگارهای ارزشمند آن دوره محسوب می‌شوند، تا امروز باقی‌مانده و بخشی از هویت تاریخی شهر یزد را شکل می‌دهند (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۶۲). شهر یزد در سده هشتم هجری در پی دو جریان مهم تاریخی دچار تحول شد: نخست، حاکمیت ایلخانان و رسمیت‌یافتن ساختار فقهی و اداری وقف در سراسر ایران؛ دوم، تثبیت قدرت آل مظفر که موجب رشد عمرانی و توسعه چشمگیر یزد گردید. در این دوره، سلاطین و رجال حکومتی با ایجاد بناهای عام‌المنفعه و وقف گسترده املاک، نقشی مهم در ارتقای کیفیت زندگی شهری ایفا کردند (پرویزی‌نیا، ۱۴۰۱: ۱۵).

تحقیقات تاریخی حاکی از آن است که خاندان آل مظفر طی دوران حکمرانی خود در سده هشتم هجری، با اقدامات زیربنایی و فرهنگی گسترده از قبیل احداث و توسعه مدارس و حمایت از اهل دانش، اختصاص موقوفات برای پشتیبانی مالی از نهادهای آموزشی، ایجاد شبکه‌های قنات، تأسیس بناهای عام‌المنفعه و تقویت هنر ایرانی-اسلامی، زمینه‌ساز رشدی کم‌سابقه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر یزد شدند. اگرچه حکومت این خاندان با حمله تیمور در سال ۷۹۵ هجری قمری پایان یافت، اما حاکمیت ۷۵ ساله آنان درخشان‌ترین دوره رونق یزد به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که شواهد نشان می‌دهد وسعت شهر در این دوره نسبت به عصر اتابکان تقریباً دوبرابر شده است (میرزایی و فدایی، ۱۳۸۵: ۹۹).

۵- افراد شاخص و تأثیرگذار در شکل‌گیری کالبد یزد در سده هشتم هجری

بر اساس مستندات مکتوب، شهر یزد در سده هشتم هجری شاهد ظهور چهره‌های برجسته‌ای بود که از طریق ایجاد موقوفات و تأسیس بناهای عام‌المنفعه، نقشی مهم در توسعه کالبدی و اجتماعی شهر ایفا کردند. در همین راستا، غازان‌خان محمود، هفتمین فرمانروای ایلخانی که در سال ۶۹۴ ه‍.ق به قدرت رسید و پس از مسلمان‌شدن در تثبیت نظام رسمی وقف در ایران نقشی اساسی داشت، مجموعه‌ای از برنامه‌های نظارتی و اجرایی گسترده را برای سامان‌دهی املاک وقفی اجرا کرد. تنظیم دقیق اداره موقوفات و تعیین متولیان، موجب تثبیت رونق وقف و گسترش ساخت‌وسازهای خیریه در سراسر قلمرو ایلخانی شد (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

از تأثیرگذارترین واقفان سده هشتم در یزد می‌توان به سید رکن‌الدین قاضی، متولی اوقاف شهر یزد، و پسرش سید شمس‌الدین که منصب نیابت وزارت و قاضی‌القضاتی سراسر قلمرو دولت ایلخانی را در زمان حکومت ابوسعید ایلخانی برعهده داشت، اشاره کرد (همان: ۱۰۷). همچنین در این دوره می‌توان از خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی که در دوره غازان، اولجایتو و اوایل حکومت ابوسعید وزیر بود، به‌عنوان طراح اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در دوره غازان نام برد؛ شخصی که عمران و بازسازی در اندیشه و عملش جایگاهی والا داشت (همان: ۱۰۸).

در دوران حکومت آل مظفر، حکمرانان، عالمان، قضات و بانوان برجسته‌ای در شکل‌دهی به ساختار فضایی و اجتماعی یزد نقشی عمیق داشتند و آثار مهمی را بنیان نهادند. این افراد خیر، کارنامه‌ای سرشار از خیرخواهی، آبادانی و ساخت بناهای ماندگار از خود بر جای گذاشتند. وقفیات این افراد، باوجود تفاوت در جایگاه سیاسی، علمی و اجتماعی‌شان، شبکه‌ای گسترده از بناهای فرهنگی، مذهبی، آموزشی و درمانی را در شهر یزد ایجاد کردند. نام بسیاری از این واقفان و خیرین در ادامه پژوهش، در کنار نام وقفیاتشان ذکر شده است.

۶- نهاد وقف در شهر یزد در قرن هشتم هجری

در لغت، «وقف» به معنای ایستادن، آرام گرفتن و نگاه داشتن آمده است (عمید، ۱۱۰۰). وقف در اندیشه اسلامی، به معنای بازداشتن عین مال و تخصیص منافع آن به افراد، گروه‌ها یا مصالح عامه است. به بیان دیگر، وقف «نگه داشتن دائمی اصل مال و بهره‌برداری از منافع آن در جهت خیرات» تعریف شده و در منابع فقهی نیز بر همین معنا تأکید شده است (معین، ۱۳۸۱: ۲، ۲۰۶۳). در دین زرتشت نیز توجه ویژه‌ای به وقف و نیکوکاری در کتاب مقدس این دین وجود دارد. در این آئین ظرفیت‌های مختلف نهاد وقف، باتوجه به نیاز پیروان و جوامع دینی خود و همچنین نیازهای مختلف جامعه، نه تنها توانست راهگشای بسیاری از معضلات جامعه زرتشتی ایران باستان گردد، بلکه نقش موقوفات پیروان این آیین، در جهت بهبود شرایط اجتماعی رفاهی مسلمانان نیز قابل توجه است (کمالیان، ۱۴۰۱: ۶۵). در شهرسازی اسلامی، وقف به عنوان یکی از بنیادی‌ترین سازوکارهای عدالت فضایی و ابزار پایداری اجتماعی شناخته می‌شود. در سده هشتم هجری، نهاد وقف به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای سامان‌دهنده ساختار فضایی و اجتماعی یزد، نقشی مهم در تثبیت و توسعه شهر داشته است. حساسیت نسبت به حفظ بناها و نگرانی از تخریب یا غارت اموال، به ویژه در دوره ایلخانان، یکی از محورهای اصلی نگاه واقفان و متولیان بود (لمبتون و نیوتن، ۱۳۸۴: ۲). نهاد وقف در ایران از پیشینه‌ای بسیار دیرینه برخوردار است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در دوران باستان، تخصیص نذورات و اموال به آتشکده‌ها و معابد امری رایج بوده است. در اواخر دوره ساسانی نیز بنیادهای خیرخواهانه‌ای شکل گرفت که با هدف تأمین رستگاری روان و فراهم‌سازی امکانات رفاهی عمومی فعالیت می‌کردند. منابع مالی این بنیادها صرف یاری‌رسانی به طبقات نیازمند و ایجاد تأسیسات عام‌المنفعه می‌شد. همین ساختارها بعدها الگویی نخستین برای شکل‌گیری وقف در دوره اسلامی فراهم آوردند. افزون بر این، در نظام اداری سامانیان، سازمانی با عنوان «دیوان موقوفات» یا «دیوان اوقاف» وجود داشته که وظیفه نظارت بر اراضی وقفی و مدیریت امور مساجد را بر عهده داشته است (دریایی، ۱۳۸۳: ۸۳). در دوران ایلخانان، شدت ناامنی مالکیت ارضی موجب شد که وقف به عنوان سازوکاری برای حفظ دارایی و ایجاد امنیت حقوقی، مورد توجه بیش‌تری قرار گیرد. با قدرت‌گیری غازان خان، وضعیت وقف دگرگون شد و او، همراه با خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، نظام وقف را توسعه داد و زمین‌ها و املاک فراوانی به وقف اختصاص یافت. بخش قابل توجهی از اراضی و آب‌های یزد نیز در این دوره در قالب موقوفات ثبت شدند (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۵۹). با آغاز حکومت آل مظفر در سده هشتم هجری، ساخت بناهای عام‌المنفعه گسترش یافت. این بناها عمدتاً باتکیه بر درآمد موقوفات کلان اداره می‌شدند. این ساختار اقتصادی سبب پایداری بناهای وقفی می‌شد، زیرا برخلاف درآمدهای وابسته به حکومت، عواید موقوفات از تغییرات سیاسی آسیب کم‌تری می‌پذیرفت و استمرار فعالیت‌های بناها را تضمین می‌کرد (ریسمانیان و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۰).

۷- وقف‌نامه‌ها

وقف‌نامه‌های قرن هشتم هجری، به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی و فرهنگی ایران شناخته می‌شوند. در این میان، «وقف‌نامه جامع‌الخیرات»، نوشته سید رکن‌الدین قاضی، ۷۳۲-۷۳۳ هـ ق، یکی از جامع‌ترین اسناد مکتوب درباره موقوفات، بناهای عام‌المنفعه و فعالیت‌های خیرخواهانه در یزد به‌شمار می‌رود. ثبت دقیق رقبات، مصارف و شیوه اداره املاک در این وقف‌نامه، الگویی بی‌نظیر از یک ساختار سازمان‌یافته برای تضمین تداوم فعالیت‌های عام‌المنفعه را به نمایش می‌گذارد و اوج بلوغ نهاد وقف را در مدیریت شهری یزد عصر آل مظفر نمایان می‌سازد. به تصریح وقف‌نامه جامع‌الخیرات، یکی از اهداف بنیادین برای تدوین این سند، تخصیص منابع وقفی برای حفاظت و نگهداری مجموعه‌ای از بناهای عام‌المنفعه است. این مجموعه شامل ۴۵ بنا بود که از این میان، ۲۳ بنا را سید رکن‌الدین و ۲۲ بنا را فرزندش، سید شمس‌الدین، احداث کرده‌اند (کاتب، ۱۳۵۷: ۷۲-۷۴). هدف دیگر این وقف‌نامه، اختصاص درآمد موقوفات برای سادات بنی فاطمه، سادات مقیم موقت، اولاد و خویشاوندان واقف، حرم کعبه، حرم مدینه، نجف اشرف، کربلا و بندگان آزادشده بود (حسینی‌یزدی، ۱۳۶۵: ۵-۱۲). از دیگر وقف‌نامه‌های مهم مربوط به سده هشتم هجری، «وقف‌نامه ربع‌رشیدی» ۷۰۹ هـ

ق، نوشته خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، است که اقدامات بسیاری در جهت گسترش املاک و اراضی وقفی در دوره ایلخانی انجام داد. او مؤسسه بزرگ ربع‌رشدی را تأسیس نمود و املاک بسیاری در مناطق گوناگون، از جمله در یزد، وقف آن کرد (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۶: ۴۴-۱۱۸). وقف‌نامه ربع‌رشدی داده‌های ارزشمندی درباره دارایی‌ها و سازمان اداری موقوفات ارائه می‌دهد. از دیگر وقف‌نامه‌های شاخص این دوره، وقف‌نامه‌های سنگی یزد به‌عنوان اسناد اصیل هستند که نقش مهمی در شناخت ساختار موقوفات و کارکردهای فرهنگی-اجتماعی آنان در سده‌های میانی ایفا کرده‌اند (دانش‌یزدی، ۱۳۸۷: ۷۸).

۸- مصارف موقوفات

اصطلاح «ابواب‌البر» و «ابواب‌الخیر» که در برخی منابع تاریخی به کار رفته است (تصدیقی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱۰)، در اصل به معنای «درهای نیکی و خیرات» است و به بناهای وقفی اطلاق می‌شود و اشاره‌ای به بناها و اراضی موقوف بر آن‌ها ندارد. بررسی وقف‌نامه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها و اسناد این دوره نشان می‌دهد که بناهای وقفی که عواید رقبات صرف آن‌ها می‌شد، یا مصارف موقوفات، در پنج دسته قرار می‌گیرند:

۱. بناهای مذهبی، شامل مساجد، امامزاده‌ها، بقاع و خانقاه‌ها؛
۲. بناهای خدماتی، شامل دارالسیاده و آب‌انبارها؛
۳. بناهای آموزشی، شامل مدارس، کتابخانه‌ها و رصدخانه‌ها؛
۴. بناهای درمانی، شامل دارالشفاه و دارالادویه‌ها؛
۵. فعالیت‌های اجتماعی پنج‌گانه.

در ادامه این پژوهش، مصارف موقوفات سده هشتم هجری قمری در شهر یزد با تفکیک کارکرد بررسی خواهیم نمود.

۸-۱- کارکرد مذهبی (مسجد، خانقاه، بقعه و امامزاده)

۸-۱-۱- مسجد

در سده هشتم هجری، مسجد مهم‌ترین فضای مذهبی و اجتماعی شهر یزد بود و تقریباً تمامی مساجد در قالب وقف اداره می‌شدند (میرجلیلی، ۱۳۹۷: ۶۱۱). درآمد‌های وقفی، امکان تعمیر، توسعه و مدیریت مداوم مساجد را فراهم می‌کرد و فضاهایی ایجاد می‌شد که علاوه بر برگزاری عبادات روزانه، به تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز یاری می‌رساند. وقف در این دوره تنها به معنای تأمین مالی یک بنا نبود، بلکه به‌مثابه سازوکاری پایدار برای تضمین حضور مستمر مؤمنان، ترویج علوم دینی، پشتیبانی از فعالیت‌های مذهبی و ایجاد امنیت مالی برای متولیان و خادمان مساجد عمل می‌کرد. بدین ترتیب، وقف به عاملی بنیادین در استمرار حیات مذهبی شهر یزد تبدیل شد و به تثبیت جایگاه مساجد، بقاع، خانقاه‌ها و امامزاده‌ها در ساختار فضایی و هویت فرهنگی شهر کمک کرد.

جدول ۱: مساجد و رقبات آن‌ها منبع: مطالعات نگارندگان

موقوفات	رقبات موقوفه	محل	بانی	تاریخ وقف	منابع
مسجد جامع	آب، املاک، زمین و چندین مغازه	دارالشفاء	سید رکن‌الدین محمد یزدی	۷۲۴ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۳۶
جمعه سر آب نو ^۱	حق آب و ده دکان	شیخداد	امیرمعین‌الدین اشرف	۷۶۸ ه.ق	همان: ۹۷-۹۶
رکنیه	مطابق وقف‌نامه جامع الخیرات	وقت الساعة	سید رکن‌الدین محمد یزدی	۷۲۵ ه.ق	همان: ۱۰۲
شمسیه	حمام، کاروان‌سرا، خانه و باغ	چهارمنار	سید شمس‌الدین محمد	۷۳۳ ه.ق	همان: ۱۱۰
شاه یحیی	بازارچه جانبی، آب و حمام	قلعه کهنه	شاه یحیی مظفری	هشتم ه.ق	افشار، ۱۳۷۴: ۲۳۰

جامع سر ریگ	دکان و آب وقف آباد	سر ریگ	امیر معین الدین اشرف	۷۷۰ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۹۵
جامع یعقوبی	آب و اراضی	یعقوبی	نصره الدین یحیی مظفری	۷۸۵ ه.ق	همان: ۹۸
شاه ابوالقاسم	مزرعه طامهر	شاه ابوالقاسم	شهاب الدین قاسم طراز	۷۳۷ ه.ق	همان: ۱۲۷
غیاثیه چهارمنار	آب وقف آباد	چهارمنار	امیر غیاث الدین عقیلی یزدی	۷۵۰ ه.ق	همان: ۱۱۸
میرآخوریه ^۱	آب	لب خندق	محمد بن قاسم بن سعید	۷۶۵ ه.ق	همان: ۱۲۵
ابوالمعالی	آب قنات تفت و نصیری	ابوالمعالی	خواجه کمال الدین ابوالمعالی	۷۸۷ ه.ق	همان: ۱۲۶
سهل ابن علی	نهر آب	سهل ابن علی	غیاث الدین علی منشی	هشتم ه.ق	افشار: ۳۲۶-۳۲۲
قطبیه (حاج عماد) ^۱	آب تفت	اثری نیست	قطب الدین حاجی عماد	هشتم ه.ق	همان: ۳۸۲
جامع اهرستان	آب دایم و حانوت	اهرستان	معین الدین علی معلم	۷۲۲ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۹۸-۹۷

در کنار مساجد اصلی شناخته شده در سده هشتم هجری که اطلاعات جامعی از رقبات آن‌ها در دسترس است و در جدول ۱ معرفی شده‌اند، شماری دیگر از مساجد وقفی نیز در این دوره ساخته شده‌اند؛ هرچند اطلاعات دقیقی از رقبات آن‌ها در دسترس نیست. از جمله این مساجد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مسجد اهرستان، بانی: معین الدین جلال حافظ (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۶۷-۱۶۸)؛ مسجد جامع نعیم آباد، بانی: شاه یحیی مظفری (همان: ۹۹)؛ مسجد دیگ‌بندان^۱، بانی: سید روح‌الله مشهور به دیگ‌بندان (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۹۵)؛ مسجد دیگ‌بندان^۲، بانی: قطب‌الاولیا (مستوفی، ۱۳۸۵: ۵۳۸).

۸-۱-۲- خانقاه

به نظر می‌رسد آغاز رسمی خانقاه‌سازی در یزد به دوره مظفری بازمی‌گردد؛ زیرا در اسناد تاریخی، نخستین بار با عنوان «خانقاه سلطان مبارزالدین محمد» مواجه می‌شویم. با این حال، به احتمال زیاد پیش‌ازین دوره نیز خانقاه‌نشینی در یزد رواج داشته است؛ چرا که حضور گسترده دراویش، عرفا و صوفیان در این شهر گواهی بر اهمیت تصوف در ادوار پیشین است (خادم‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۴).

رشد چشمگیر خانقاه‌ها در این دوره، بنا بر نقل تشکری، چند علت اساسی داشت: نخست، تعلق خاطر رشیدالدین فضل‌الله به یزد که یکی از مراکز مهم تصوف به‌شمار می‌رفت؛ دوم، حمایت خانواده رکنیه از جریان‌های صوفیانه که به تقویت این گرایش معنوی کمک شایانی کرد. افزون بر این، ساده‌زیستی مشایخ صوفی و رفتار محترمانه سلاطین مظفری با مشایخ و علما، زمینه گسترش تصوف و خانقاه‌نشینی را فراهم ساخت (تشکری، ۱۳۹۱: ۶۹). در این دوره، خانقاه‌ها تقریباً هم‌زمان و هم‌تراز با مدارس توسعه یافتند و موقوفات فراوانی به آن‌ها اختصاص داده شد. درآمد این موقوفات در جهت توسعه خانقاه‌ها و تأمین نیازهای فقرا، دراویش و مریدان مصرف می‌شد (عابدنیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۸ و ۱۹۰). انتساب ساخت سی خانقاه به شیخ تقی‌الدین دادا محمد نیز نشان‌دهنده نقش برجسته او در گسترش تصوف خانقاهی است. پس از خاندان دادائییه، بخش بزرگی از خانقاه‌های بناشده در دوره آل مظفر با حمایت خاندان رکنیه شکل گرفت (تشکری، ۱۳۹۱: ۷۳). قرارگرفتن خانقاه در مقابل مدرسه در برخی مجموعه‌ها - همچون مجموعه شمسیه - نشان می‌دهد که این الگوی کالبدی در دوره ایلخانی رایج بوده و در دوره تیموری به شکلی گسترده‌تر به کار رفته است (ویلبر و گلمبگ، ۱۳۷۴: ۸۴). معماری خانقاه‌های دوره تیموری ادامه و تکامل یافته معماری دوره آل مظفر بود و به نظر می‌رسد تیموریان این الگو را مبنای نخستین خود قرار داده‌اند (اناکین، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

جدول ۲: خانقاه و رقبات آن منبع: مطالعات نگارندگان

موقوفات	رقبات موقوفه	محل	بانی	تاریخ وقف	منابع
رکنیه	مطابق وقفنامه جامع الخیرات	وقت الساعت	سید رکن الدین محمد یزدی	۷۱۷ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۲
شمسیه	حمام، کاروان سرا، خانه، باغ	چهارمنار	سیدشمس الدین محمد یزدی	۷۳۳ ه.ق	همان: ۱۱۰
کوشک نو	مطابق وقفنامه جامع الخیرات	کوشک نو	سیدرکن الدین محمد یزدی	هشتم ه.ق	همان: ۸۷
کمالیه	قنات فراشاه	بازارنو	خواجه کمال الدین ابوالمعالی	۷۲۰ ه.ق	همان: ۱۱۵
غیاثیه چهارمنار	آب وقف آباد	چهارمنار	غیاث الدین علی عقیلی یزدی	۷۵۰ ه.ق	همان: ۱۱۸
شیخداد	قنات آب نو	شیخداد	شیخ تقی الدین دادا محمد	هشتم ه.ق	افشار، ۱۳۷۴: ۳۵۰
ابوالمعالی	آب تفت و نصیری، حمام	ابوالعالی	خواجه کمال الدین ابوالمعالی	۷۸۷ ه.ق	کاتب، ۱۳۸۶: ۱۳۰
سهل ابن علی	نهر آب	سهل بن علی	مولانا غیاث الدین علی منشی	هشتم ه.ق	افشار، ۱۳۷۴: ۳۲۲-۳۲۶
رشیدیه ^۱	آب وقف آباد	اثری نیست	رشیدالدین فضل الله همدانی	۷۲۵ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۱۵
حافظیه نوغاباد ^۲	مزارع و خانه‌ها و آب تفت	اهرستان	مولانا امام الدین علی معمار	۷۱۲ ه.ق	همان: ۱۲۰

علاوه بر خانقاه‌های معرفی شده در جدول ۲، خانقاه‌های دیگری نیز در این دوره ساخته شده‌اند که متأسفانه اطلاعات دقیقی از رقبات آن‌ها در دسترس نیست. از جمله این بناها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

خانقاه دروازه قطریان^۱: خانقاه زاویه، بانی: شیخ فخرالدین احمد الاسفنجردی (کلاته‌ساداتی و فلک‌الدین، ۱۳۹۹: ۸۱)؛ خانقاه دروازه سعادت^۲: بانی: محمد مظفر (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۳۷)؛ خانقاه بیت‌الادویه^۳: بانی: خواجه کمال الدین ابوالمعالی (افشار، ۱۳۷۴: ۳۳۴)؛ خانقاه شیخ فخرالدین احمد و محمد اسفنجردی، در محله فهادان، بانی: محمد بن مظفر (میرجلیلی، ۱۳۹۷: ۶۱۲)؛ خانقاه شیخ محمد یعقوب، در محله کوشک نو، بانی: شیخ محمد یعقوب (مفیدی، ج ۳، ۱۳۸۵: ۵۵۶).

۸-۱-۳- بقعه

در دوره مورد مطالعه، بسیاری از بقعه‌ها در اصل همان مدارس و خانقاه‌هایی بوده‌اند که بانیان یا مشایخ آن‌ها در همان مکان به خاک سپرده شده‌اند؛ مانند بقعه سید رکن الدین، سید شمس الدین، بقعه غیاثیه و بقعه شیخ دادا که در بخش مدارس، به آن‌ها و موقوفاتشان پرداخته خواهد شد. با گسترش نفوذ تصوف در قرن هشتم، ساخت مقبره‌های صوفیه نیز افزایش چشمگیری پیدا کرد (کاتب، ۱۳۸۶: ۸۶). در یزد قرن هشتم نیز بقعه‌های دیگری ساخته شد که اطلاعاتی از موقوفات آن‌ها در منابع موجود نیست؛ از جمله: بقعه سهل بن علی در محله سهل بن علی به دست مولانا غیاث الدین علی منشی (افشار، ۱۳۷۴: ۳۲۲)؛ بقعه محمدی در محله دروازه شاهی که احتمال می‌رود بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تر بوده باشد (خادمزاده، ۱۳۸۷: ۶۳). این بقعه‌ها، در کنار بقعه‌های وابسته به مدارس و خانقاه‌ها، نشان‌دهنده ادامه سنت آرامگاه‌سازی در یزد هستند؛ سنتی که با پیوند عمیق میان تصوف، آموزش دینی و فضاهای وقفی، جایگاهی پایدار در ساختار مذهبی و اجتماعی شهر داشته است.

۸-۱-۴- امامزاده

روند شکل‌گیری و تکامل کلی محله امامزاده جعفر(ع) از نقطه آغازین را باید در بازه زمانی بین دوره آل کاکویه تا دوره قاجار در نظر گرفت که در این بازه تاریخی، فاصله زمانی بین دوره آل مظفر تا دوران قاجاریه، روند اصلی تکوین و تکامل محله را دربر گرفته است (قدکیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۶). در قرن هشتم، موقوفاتی به امامزاده جعفر(ع) اضافه شد. در سال ۷۷۶ ه.ق، خواجه اسحاق بن خواجه حسن ساورج خوارزمی سقایی‌ای روبه‌روی امامزاده جعفر(ع) ساخت و «امیر صدرالدین» وزیر نیز زمینی کنار امامزاده خرید و به صحن آن افزود (میرجلیلی، ۱۳۹۷: ۶۱۳؛ خادمزاده، ۱۳۸۷: ۱۸).

۸-۲- کارکرد خدماتی - اقامتی (دارالسیاده، آب انبار و سقاخانه)

۸-۲-۱- دارالسیاده

احترام و تکریم سادات و ذریه رسول خدا(ص) سابقه‌ای به قدمت دین مبین اسلام دارد. تأسیس «دیوان نقابت» در نیمه قرن سوم هجری، در عصر خلافت عباسیان که وظیفه‌اش رسیدگی به امور سادات بود، از تحولات سیاسی-اجتماعی آن دوره محسوب می‌شود. این نهاد، با حمله مغول در دهه دوم سده هفتم هجری، برای چند دهه به فراموشی سپرده شد. پس از موج دوم حملات مغولان به ایران و جهان اسلام و تشکیل حکومت ایلخانان، و در پی مسلمان شدن برخی حاکمان مغول، جایگاه اجتماعی سادات دوباره احیا گردید (یعقوبی، سامانی و مقدم، ۱۳۹۳: ۱۱۴-۱۱۵). «دارالسیاده» نام بنیادهای خیریه‌ای است که در عصر ایلخانان برای خدمت‌رسانی به علویان، سادات، تأسیس شد. غازان خان نخستین حاکم ایلخانی بود که پس از مسلمان شدن، اقدام به ساخت دارالسیاده نمود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳، ۱۸۷). در وقف‌نامه جامع‌الخیرات آمده است: هر سال مبلغ ۳۷۵ دینار، میان پنج دختر فقیر و شوی‌نرفته از علویان تقسیم شود. افزون بر این، هر سال مبلغ ۴۰۰ دینار برای پوشاک زمستانی و ۲۰۰ دینار برای پوشاک تابستانی علویان بی‌بضاعت و دیگر فقرا در نظر گرفته شده بود^۲. (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۱۰۷).

جدول ۳: دارالسیاده و رقبات آن منبع: مطالعات نگارندگان

موقوفات	رقبات موقوفه	محل	بانی	تاریخ وقف	منابع
رکنیه	مطابق وقف‌نامه جامع‌الخیرات	وقت الساعت	رکن‌الدین حسینی یزدی	۷۲۵ ه.ق	افشار، ۱۳۷۴: ۵۵۹
شمسیه	حمام، کاروان‌سرا، خانه، باغ	چهارمنار	سیدشمس‌الدین محمد	۷۳۳ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۱۰

۸-۲-۲- آب انبار

تأمین آب شرب و کشاورزی، همواره چالش اصلی مردم یزد بوده است و در دوره ایلخانی تا تیموری، حاکمان و واقفان برای حل آن به توسعه موقوفات آبی، به‌ویژه وقف قنات‌های متعدد، پرداختند؛ در نتیجه در این دوران، موقوفات مرتبط با آب رشدی فزاینده یافتند (کمالیان و چراغی، ۱۴۰۰: ۹۴). آب‌انبارهای یزد از نظر معماری، نه‌تنها بیانگر هویت ساکنان یزد است، بلکه پدیده‌ای تمدنی، اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در پیشینه تاریخی یزد، آب‌انبارها غالباً در مجاورت کانون‌های مذهبی-اجتماعی قرار می‌گرفتند و نقش مهمی در سازمان‌یابی محلات بر عهده داشتند (مسرت، ۱۳۸۹: ۱۱). اهداف واقفان در وقف آب‌انبارها را می‌توان در کتیبه‌های این بناها و یا وقف‌نامه‌های مکتوب مشاهده کرد که برخی، انگیزه خود را ملهم از تشنگی امام حسین(ع) و شهادت ایشان در روز عاشورا می‌دانند (افشار، ۱۳۷۴: ۶۶۰ - ۶۶۲).

جدول ۴: آب انبار و رقبات آن منبع: مطالعات نگارندگان

موقوفات	رقبات موقوفه	محل	بانی	تاریخ وقف	منابع
رکنیه	مطابق وقف‌نامه جامع‌الخیرات	وقت الساعت	سید رکن‌الدین محمد	۷۲۵ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۹
شمسیه	حمام، کاروان‌سرا، خانه، باغ	چهارمنار	سید شمس‌الدین محمد	۷۳۳ ه.ق	همان: ۱۱۰-۱۱۱
ابوالمعالی	آب قنات تفت و نصیری	ابوالمعالی	خواجه ابوالمعالی	۷۸۷ ه.ق	همان: ۱۲۶
میرآخوریه ^۱	آب	بازارخان	محمود بن قاسم امیرآخور	۷۶۵ ه.ق	همان: ۱۲۵
کمالیه	آب قنات تفت و نصیری	شاه ابوالقاسم	کمال‌الدین ابوالمعالی	۷۲۰ ه.ق	همان: ۱۱۵
حاج عماد ^۱	آب تفت	اثری نیست	مولانا حاجی عمادالدین	هشتم ه.ق	همان: ۱۲۲-۱۲۳
شاه یحیی	بازارچه، آب و حمام	قلعه کهنه	شاه یحیی مظفری	هشتم ه.ق	افشار، ۱۳۷۴: ۲۳۰
حسینیان	آب تفت	بازارنو	معین‌الدین اشرف	۷۲۶ ه.ق	همان: ۳۶۹
اصیلیه دهوک ^۱	حمام و بازار و کاروان‌سرا	امیرچقماق	محمدبن مظفر عقیل	هشتم ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۸

افزون بر نمونه‌های معرفی شده در جدول ۵، آب‌انبارهای دیگری نیز در قرن هشتم هجری قمری در شهر یزد ساخته شد که از رقباتشان اطلاعاتی در دست نیست. از جمله این آب‌انبارها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آب‌انبار معین‌الدین اشرف^۱ بانی: امیر معین‌الدین اشرف (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۴-۱۲۵)؛ آب‌انباری منسوب به شاه‌شجاع^۲ (کاتب، ۱۳۸۶: ۴۷)؛ آب‌انبار چهارکوچه^۳؛ آب‌انبار وزیر، بانی: سید رکن‌الدین ثانی؛ آب‌انبار حیدر (حاجی)، بانی: حاجی حیدر (مسرت، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

۸-۲-۳- سقاخانه

سقاخانه پدیده‌ای اجتماعی-مذهبی است که در آن «آب» به‌مثابه عنصر حیات‌بخش و رایگان، در اختیار رهگذران تشنه قرار می‌گیرد. در سنت شیعی، انگیزه اصلی بانیان نیکوکار آن، هم سقاییت مردمان و هم یادآوری واقعه عاشورا است. قداست سقاخانه نه از انتساب به فردی مدفون، بلکه از پیوند آب با خاطره کربلا و کارکرد دوگانه آب‌رسانی و فرهنگی-مذهبی آن ناشی می‌شود؛ از این رو با بهره‌گیری از آب قنات‌ها و آب‌انبارها، فضاهایی در گذرها شکل می‌گرفت که سنت سقاییت رهگذران را تداوم بخشید (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴). از نمونه‌های ثبت‌شده، ساخت سقاخانه‌ای در مقابل امامزاده جعفر(ع) در دوران آل مظفر است که بانی آن خواجه اسحاق بن خواجه حسن ساورج خوارزمی معرفی شده است (میرجلیلی، ۱۳۹۷: ۶۱۳).

۸-۳- کارکرد آموزشی (مدارس - کتابخانه - رصدخانه)

۸-۳-۱- مدرسه

رونق مدرسه‌سازی در دوران آل مظفر امتداد رسمی بود که از عصر آل کاکویه در یزد ریشه داشت و در منابع بارها به آن اشاره شده است (امامی میبدی، ۱۴۰۰: ۲۳۷). تراکم مدارس و مراکز علمی در سده‌های هفتم و هشتم هجری یزد بسیار چشمگیر بود. نزدیک به پنجاه مدرسه فعال باتکیه بر عواید موقوفات اداره می‌شدند و بسیاری از آن‌ها چون مدرسه رکنیه، شمسیه، غیاثیه و شیخ دادا، به‌سبب دفن واقفان در جوارشان، امروزه به‌عنوان بقعه شناخته می‌شوند (میرجلیلی، ۱۳۹۷: ۶۰۸). یکی از ویژگی‌های شاخص مدارس دوره آل مظفر، ماهیت مجموعه‌ای آن‌ها بود؛ بدین معنا که علاوه بر فضای درس و مباحثه، عملکردهایی همچون دارالشفاء، بیت‌الادویه، دارالکتاب، دارالحديث، بیت‌القانون، حمام و سایر تجهیزات موردنیاز شهری و محلی را در دل خود جای می‌دادند و به‌این‌ترتیب به کانون‌های چندمنظوره‌ای بدل می‌شدند که پاسخ‌گوی طیف وسیعی از نیازهای علمی، درمانی و خدماتی جامعه بودند (ریسمانیان و ابوتی و آرام، ۱۴۰۳: ۵۰).

جدول ۵: مدارس و رقبات آن منبع: مطالعات نگارندگان

موقوفات	رقبات موقوفه	محله	بانی	تاریخ وقف	منابع
رکنیه	مطابق وقف‌نامه جامع‌الخیرات	وقت الساعت	سید رکن‌الدین حسینی	۷۲۵ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۸
کمالیه	قنات، دونهر و حمام	شاه ابوالقاسم	کمال‌الدین ابوالمعالی	۷۲۰ ه.ق	کاتب، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۱۲۴
شمسیه	حمام، دکان‌ها، کاروان‌سرا، بازار، آب تفت	چهارمنار	سید شمس‌الدین محمد	۷۳۳ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۱۰
خاتونیه ^۱	بازار کفش دوزان، باغ، دکان و حجره	اتری نیست	(شاه خاتون) مادر شاه یحیی	۷۸۲ ه.ق	کاتب، ۱۳۸۶: ۸۱-۱۲۵
غیاثیه سر ریگ	ده دکان و حمام	سر ریگ	امیر غیاث‌الدین عقیلی	۷۱۰ ه.ق	همان: ۱۲۶
شاه ابوالقاسم	آب تفت، مزرعه طامهر و دکان و نهر آب	شاه ابوالقاسم	شهاب‌الدین قاسم طراز	۷۳۷ ه.ق	همان: ۱۲۷-۱۲۸
حسینیان	نهر وزیر، آب تفت	بازارنو	سعید شرف‌الدین حسین	۷۲۰ ه.ق	همان: ۱۲۳-۱۲۴

حافظیه نوغاباد ^۱	آب تفت و میاه و مزارع	اهرستان	مولانا امام‌الدین علی معمار	هشتم ه.ق	همان: ۱۲۰
رشیدیه ^۱	میاه، مزارع، بازار کاغذیان	داخل حصار- بی‌اثر	رشیدالدین فضل.. همدانی	۷۱۵ ه.ق	همان: ۱۱۴-۱۱۵
نصرتیه ^۱	بازار، دکاکین و دارالفتح	داخل حصار- بی‌اثر	نصره الدین یحیی	۷۸۷ ه.ق	همان: ۱۲۹
ابوالمعالی	آب تفت و حمام	ابوالمعالی	حاجی ابوالمعالی	۷۸۷ ه.ق	همان: ۱۳۰
اصیلیه دهوک ^۱	حمام و بازار و کاروانسرا	امیرچقماق	محمد بن مظفر عقیلی	۷۳۷ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۸
غیاثیه چهارمنار	آب تفت	چهارمنار	امیرغیاث الدین حسینی	۷۴۰ ه.ق	کاتب، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۲۸
صاعديه ^۱	دو نهر آب	اثری نیست	خواجه رکن‌الدین صاعد	۷۶۲ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۷
قطیبه (حاج عماد) ^۱	آب	اثری نیست	قطب‌الدین بن حاجی عماد	هشتم ه.ق	کاتب، ۱۳۸۶: ۱۳۱
غیاثیه (شیخ کبیر) ^۱	آب تفت	اثری نیست	امیرغیاث الدین محمود	۷۸۱ ه.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۳
ضیاییه سرپلک ^۱	بازار و هجده دکان	فهادان	ضیال‌الدین محمد دادویان	۷۸۸ ه.ق	همان: ۱۲۶
عبدالقادریه	پایاب و نهر آب جدید	لردکیوان	محمد بن سدید اشکذری	۷۳۴ ه.ق	کاتب، ۱۳۸۶: ۱۲۸-۱۲۹
میرآخوریه ^۱	آب تفت-نصیری	اثری نیست	قاسم بن سعید امیرآخ	۷۵۹ ه.ق	همان: ۱۲۹

افزون بر مدارس معرفی‌شده در جدول ۶ و رقبات آن‌ها، مدارس دیگری نیز در همین سده ساخته شده که اطلاعات دقیقی از رقباتشان در دست نیست، اما باتوجه به قاعده عمومی وقف مدارس بزرگ ایران در آن عصر، احتمال برخورداری آن از رقبات فراوان است: مدرسه خانزاده (۷۸۶ هـ)، بانی: بنت سلطان مبارزالدین محمد بن مظفر (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

۸-۳-۲- رصدخانه

رصدخانه‌ی رکنیه نمونه‌ای ممتاز از بناهای علمی وقفی همین دوره است که در مجموعه رکنیه و محله وقت‌الساعت جای داشت و بخشی از وقف‌نامه جامع‌الخیرات به آن اختصاص یافته است. این رصدخانه در سال ۷۲۵ هجری قمری به دستور سید رکن‌الدین محمد حسینی یزدی و با نظارت خلیل بن ابوبکر آملی، منجم نامدار، ساخته و به مجموعه کل اضافه گردید. منابع تاریخی از آن با عنوان «رصدخانه مدرسه رکنیه» یاد کرده‌اند؛ ساختمانی که علاوه بر کارکرد علمی، در شبکه عملکردی مجموعه رکنیه نیز جایگاه کلیدی داشت. بر اساس وقف‌نامه جامع‌الخیرات (۷۲۵ هـ.ق)، این رصدخانه موقوفات مستقل نداشت و هزینه‌های آن از طریق درآمد کلی موقوفات مجموعه رکنیه تأمین می‌شد (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۰۵).

۸-۳-۳- کتابخانه

کارکرد اصلی کتابخانه‌های یزد، همچون نمونه‌های مشابه، حفظ، تکثیر، تهیه و امانت‌دهی کتاب بود و سید رکن‌الدین در وقف‌نامه جامع‌الخیرات بر امانت‌داری خازن (کتابدار) و نظارت او بر ورود و خروج نسخه‌ها تأکید می‌کند تا صیانت از گنجینه مکتوب تضمین شود (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۲۸). جعفری نخستین کسی است که از ساخت کتابخانه در دوره آل کاکویه -متصل به مسجد جامع عتیق یزد سخن می‌گوید و می‌نویسد مسجد جامع عتیق «کتابخانه و جماعت‌خانه و غرفه‌های نیکو دارد» (جعفری، ۱۳۸۴: ۷۴). با گسترش مدارس از اواخر قرن ششم هجری، تأسیس کتابخانه و تأمین منابع برای آن‌ها به اصلی ثابت در ذهن بانیان بدل گشت و توسعه مدرسه‌سازی ناگزیر با توسعه کتابخانه همراه شد (دانش یزدی، ۱۳۹۲: ۶). در سده هشتم در مجموعه رکنیه کتابخانه‌ای در کنار مدرسه با سه هزار جلد کتاب وجود داشت که هزینه‌هایش از موقوفات تأمین می‌شد و وقف طلاب علوم دینی بود، گرچه این بنا در قرن یازدهم رو به ویرانی نهاد و دیگر از کتاب‌ها

و موقوفاتش اثری باقی نماند (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۲۵؛ مستوفی ج ۳، ۱۳۸۵: ۵۵۸ - ۶۵۵). تعدادی از کتابخانه‌های یزد در قرن هشتم هجری قمری که رقبات آن‌ها مشخص است در جدول ۷ معرفی شده‌اند.

جدول ۶: کتابخانه و رقبات آن منبع: مطالعات نگارندگان

موقوفات	رقبات موقوفه	محل	بانی	تاریخ وقف	منابع
رکنیه	مطابق وقف‌نامه جامع الخیرات	وقت الساعت	سیدرکن الدین	۷۲۵ هـ.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۲
شمسیه	حمام، دکان‌ها، کاروان‌سرا، بازار	چهارمنار	امیر شمس‌الدین	۷۳۳ هـ.ق	کاتب، ۱۳۸۶: ۱۳۰
حسینیان	آب تفت	فهادان	امیر شرف‌الدین حسینی	۷۲۶ هـ.ق	همان: ۱۳۵
میرآخوریه ^۱	آب تفت و نصیری و پایاب	دروازه مهریز	قاسم بن سعید	۷۶۵ هـ.ق	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۵
عبدالقادریه	پایاب و نهرآب جدیده	لردکیوان	خواجه عبدالقادر بن محمد بن سدید اشکذری	۷۲۴ هـ.ق	مستوفی، ۱۳۸۵: ۱۰۲

کتابخانه‌های دیگری نیز در همین دوره ساخته شد که از جزئیات رقباتشان خبری در دست نیست، اما بنا به قاعده مدارس و کتابخانه‌های بزرگ آن عصر، به احتمال فراوان پشتوانه‌های وقفی قابل توجهی داشته‌اند. از جمله این کتابخانه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

کتابخانه مدرسه خانزاده^۲، بانی: خانزاده خاتون (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۶۳)؛ کتابخانه شرف‌الدین در محله سهل بن علی در اواخر قرن هشتم، بانی: شرف‌الدین علی یزدی (همان: ۱۳۴)؛ کتابخانه غیاثیه در محله فهادان (رستم قدیم)، بانی: امیر غیاث‌الدین محمود بن قطب‌الدین سلیمان‌شاه (میرجلیلی، ۱۳۹۷: ۶۱۱).

۸-۴- کارکرد درمانی (دارالشفای)

بر اساس پژوهش‌های تاریخی، در دوره ایلخانی موقوفات غالباً به صورت مجموعه‌های چندکارکردی سازمان می‌یافتند که نهادهایی چون مدرسه، مسجد، خانقاه، کاروان‌سرا و به‌ویژه مراکز درمانی موسوم به «دارالشفای» را در بر می‌گرفت. واقفان، با توجه به نیاز مبرم اجتماعی، تمایل ویژه‌ای به تأسیس این مراکز بهداشتی-درمانی در کنار بنیادهای آموزشی و مذهبی نشان می‌دادند. از نظر کارکردی، دارالشفای صرفاً محل معالجه بیماران نبود، بلکه عرصه‌ای برای آموزش و تدریس پزشکان مجرب نیز به‌شمار می‌آمد. این نهاد معمولاً به‌طور مستقل عمل نمی‌کرد، بلکه وابسته به یک مؤسسه دینی اصلی مانند مدرسه یا مسجد بود و حقوق و مقرری کارکنان و پزشکان آن از طریق درآمدهای موقوفه آن مؤسسه مادر تأمین می‌شد. این نهادها از نظر سازمانی کامل‌ترین مجموعه‌های وقفی زمانه بودند: طبیب، جراح، کحال، داروگر، خزانه‌دار، خدمه، بیت‌الادویه، حوضخانه، سرداب دارو، حجره بیماران، باغ و یخدان را در بر می‌گرفتند و درمان رایگان بیماران از محل درآمد موقوفات صورت می‌گرفت؛ الگویی که بعدها به اساس بیمارستان‌های وقفی ایران تبدیل شد (تقوایی و امامی‌خویی، ۱۳۹۳: ۵-۸). در مجموعه رکنیه، کنار مدرسه دارالشفایی با کاشی‌کاری و درگاهی بلند وجود داشت که طبق وقف‌نامه جامع‌الخیرات (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۴۱۰) بخشی از موقوفات مجموعه را به خود اختصاص داده بود و هزینه‌هایش از همان رقبات مشترک تأمین می‌شد، هرچند موقوفه مستقلی برای آن ثبت نشده است (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۲۵). دارالشفای مجموعه رکنیه و شمسیه که در قرن هشتم هجری در شهر یزد ساخته شدند در جدول ۸ معرفی شده‌اند.

جدول ۷: دارالشفای و رقبات آن منبع: مطالعات نگارندگان

موقوفات	رقبات موقوفه	محل	بانی	تاریخ وقف	منابع
مجموعه رکنیه	مطابق وقف‌نامه جامع الخیرات	وقت الساعت	سیدرکن لدین	۷۲۵ هـ.ق	افشار، ۱۳۷۴: ۵۵۹
مجموعه شمسیه	حمام، دکان‌ها، کاروان‌سرا، بازار، آب	چهارمنار	سیدشمس‌الدین	۷۳۳ هـ.ق	همان: ۵۹۱

۸-۵- کارکرد اجتماعی وقف

وقف دارای پنج کارکرد اجتماعی کلیدی در شکل‌گیری و تداوم حیات شهر یزد بوده است. نخست، کارکرد دینی-عبادی که تقویت هویت مذهبی شهر را از طریق تأمین هزینه‌های مساجد، برگزاری آیین‌ها و مناسک دینی، تعمیر و نگهداری اماکن مقدس، و پرداخت حقوق امامان جماعت، مؤذنان و قاریان قرآن در بر می‌گرفت. دوم، کارکرد آموزشی-فرهنگی که شامل حمایت مالی از نهادهای آموزشی همچون مدارس و کتابخانه‌ها، پرداخت حقوق معلمان و مدرسان، و فراهم‌آوردن امکان تحصیل رایگان یا کم‌هزینه برای طلاب و کودکان نیازمند بود. سوم، کارکرد بهداشتی-درمانی که به تأمین سلامت عمومی از طریق پرداخت هزینه‌های دارو، درمان و بهداشت نیازمندان می‌پرداخت. چهارم، کارکرد اقتصادی-معیشتی که معطوف به ایجاد اشتغال پایدار برای متولیان، کارکنان و خدمه مجموعه‌های وقفی و تضمین گردش اقتصادی موقوفات بود. در نهایت، کارکرد حمایتی-یاری‌گرانه (انسجام‌بخش) که به‌منزله چتر نهایی و جامع سایر کارکردها عمل می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که وقف با اطعام فقرا، کمک به سادات، تأمین پوشاک و مسکن برای نیازمندان، حمایت از زائران و آزاد کردن بردگان، شبکه‌ای از ایمنی اجتماعی پدید می‌آورد که ضمن کاهش فقر و نابرابری، پیوندهای همبستگی و تعهد متقابل را در جامعه شهری تقویت می‌کرد (کلاته ساداتی و فلک‌الدین، ۱۳۹۹: ۷۸).

۹- رقبات موقوفات

در سنت وقف، «رقبات موقوفات» به اموالی اطلاق می‌شود که واقف آن‌ها را به‌طور کامل از مالکیت شخصی خارج کرده و منافعتشان را برای تأمین هزینه‌های بناهای وقفی و امور خیر اختصاص می‌دهد؛ اموالی که نقشی زیرساختی در پایداری اقتصادی مجموعه‌های وقفی دارند و هزینه‌های نگهداری، اداره و تداوم کارکرد ابنیه عمومی را فراهم می‌کنند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۹-۳۸). بر پایه داده‌های استخراج‌شده از وقف‌نامه‌ها و منابع تاریخی که در بخش پیشین توضیح داده شد، رقبات موقوفات در دوره مورد مطالعه عمدتاً شامل عناصر درآمدزایی همچون قنات‌ها، باغ‌ها، زمین‌های زراعی، حمام‌ها، کاروان‌سراها و بازارها بوده‌اند که هر یک با سازوکار اقتصادی خاص خود، هزینه‌های بناهای اصلی نظیر مدارس، خانقاه‌ها، دارالشفاه، دارالسیاده‌ها و دیگر ابنیه را تأمین می‌کرده‌اند. گزارش‌های پژوهشی درباره موقوفات ایران در قرون ششم تا هشتم هجری نشان می‌دهند که اولین سهم درآمد هر موقوفه باید صرف نگهداری همان موقوفه می‌شد و املاک و زمین‌ها مهم‌ترین دارایی وقفی بودند (لمبتون و نیوتن، ۱۳۸۴: ۳). در ادامه، رقبات موقوفات در سده هشتم هجری شهر یزد به تفصیل بررسی خواهند شد.

۹-۱- بازار

بازارها یکی از مهم‌ترین اجزای رقبات شهری یزد در سده هشتم هجری بودند و به سبب ظرفیت اقتصادی خود، موتور محرک حیات تجاری و پویایی محلات به شمار می‌رفتند (میردهقان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۷). در وقف‌نامه‌ها و منابع تاریخی، بازار همواره به‌عنوان موقوفه‌ای درآمدزا ذکر شده است؛ بدین معنا که عواید آن‌ها پس از کسر هزینه‌های نگهداری، صرف اداره مساجد، مدارس، آب‌انبارها و دیگر بناهای وقفی می‌شد. اگرچه جزئیات مصارف برخی بازارها در منابع موجود روشن نیست، گزارش‌ها نشان می‌دهد بخش عمده بازارهای مهم یزد با همت واقفان بنام یزد احداث شده‌اند (کاتب، ۱۳۴۵: ۸۸-۸۷). در منابع تاریخی از بازارهایی وقفی یاد شده است که درباره رقبات آن‌ها سندی در دست نیست؛ از جمله بازار چهارسوق با چهل دکان وقف خانزاده خاتون (کاتب، ۱۳۴۵: ۸۷)، بازار کفش‌دوزان با چهل دکان و چهل حجره وقف مادر شاه یحیی، بازار دلالان در حوالی بازار مسگرها^۱، بازار سلطان ابراهیم مجاور مدرسه صاعديه وقف بر سلطان ابراهیم، خواهرزاده شاه یحیی (کاتب، ۱۳۴۵: ۸۸)، بازار چهارمنار نزدیک مدرسه شمسیه وقف بر سید شمس‌الدین محمد یزدی (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۱۰)، بازار ابوالمعالی وقف خواجه کمال‌الدین ابوالمعالی (افشار، ۱۳۷۴: ۳۸۶)، بازار کوشک‌نو وقف سید رکن‌الدین محمد حسینی (مفیدی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۵۵۶) و بازار سراج‌ها جنب مسجد سر ریگ که به‌احتمال زیاد قاضی

معین‌الدین اشرف آن را بنیان نهاده است (خادم‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۹۱). همچنین بازاری نزدیک مدرسه رشیدیه مشهور به بازار کاغذیان و وقف مدرسه رشیدیه، توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی ساخته شد (سرائی، ۱۳۸۹: ۲۸). بدین‌سان، بازار افزون بر نقش کالبدی، نهادی اقتصادی-اجتماعی بود که ثبات مالی و تداوم فعالیت مجموعه‌های وقفی را تضمین می‌کرد و پیوندی ارگانیک میان اقتصاد شهری و شبکه بناهای عام‌المنفعه برقرار می‌ساخت؛ پیوندی که در دوره ایلخانی و آل مظفر به انسجام فضایی و رونق شهر یزد یاری رساند.

۹-۲- باغ‌ها، مزارع و زمین‌های کشاورزی

باغ در دوره ایلخانی و آل مظفر نه تنها فضای سبز، بلکه نماد مشروعیت و آبادانی واقفان بود. این باغ‌ها با اتکا به قنوت و طرح‌های هندسی منظم، هم منبع درآمد و هم بستر شکل‌گیری محلات به شمار می‌رفتند؛ چنان‌که وقف‌نامه «جامع‌الخیرات» و توصیفات «جعفری» نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از املاک وقفی را باغ‌ها و مزارع تشکیل می‌دادند که درآمد آن‌ها صرف اداره مدارس، خانقاه‌ها، بقاع و دارالشفاه می‌شد (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۱۱-۱۲؛ جعفری، ۱۳۸۴: ۱۱۹-۱۳۲). قابل‌ذکر است در وقف‌نامه «ربع‌رشیدی» در بخش‌های مربوط به املاک یزد، به تعداد زیادی باغ، بستان، مزارع و زمین‌های کشاورزی به‌عنوان رقبات موقوفات اشاره شده است (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۶: ۴۴-۱۰۰). باغ‌هایی که در منابع تاریخی از آن‌ها نام برده شده است عبارت‌اند از: باغ کمال کاشی (باغ گل و کاشی) در غرب مسجد جامع و باغ لاسان در نعیم‌آباد، هر دو متعلق به محمد مظفر (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۳۲)؛ باغ شاه یا باغ ابوسعیدی در کوچه بهروک چهارمنار که شاه یحیی در آن عماراتی عالی ساخت (مستوفی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۶۷۸)؛ باغی نزدیک دروازه سعادت به نام شاه حسین، برادر شاه محمد مظفر؛ باغ وسیع در پای مامانوک به همت شاه خاتون؛ باغ حاجب عزالدین لنگر وردان‌زور، وقف بنت شاه حسین مظفری (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۵۹)؛ باغ مجاور مزار شیخ تقی‌الدین دادا به همت سید رکن‌الدین (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۱۵، ۱۱۷-۱۱۸، ۱۲۳-۱۲۹)؛ باغ منتسب به سید شمس‌الدین (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۳۳۲)؛ باغ فیروزی در چهارمنار، وقف مجدالدین حسن قاضی (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۷۲) و باغ‌های غیاثیه متعلق به امیر غیاث‌الدین علی عقیلی یزدی (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

۹-۳- خانه‌ها

در برخی منابع تاریخی و معتبر از خانه‌ها به‌عنوان رقبات موقوفات یاد شده است. در وقف‌نامه‌ی «جامع‌الخیرات»، از دو خانه به‌عنوان رقبات موقوفات مجموعه شمسیه نام برده شده است: خانه حاجی فیمازا (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۴۷۱) و خانه محمدشاه خیاط (همان: ۴۷۲). همچنین وقف‌نامه «ربع‌رشیدی»، در بخش املاک یزد، تعدادی خانه با ذکر محل و موقعیت آن به‌عنوان رقبات موقوفات را معرفی می‌کند (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۶: ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۶۸، ۷۱، ۷۴، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۹۷). این خانه‌ها متعلق به شهر یزد و روستاهای اطراف آن بوده‌اند و تنها از چند خانه در بلده یزد نام‌برده شده است: خانه‌ای در محله باب و ساده (همان: ۷۱) و خانه‌ای در نزدیکی مدرسه رکنیه (همان: ۹۵). در مورد خانه‌های دیگری در شهر یزد که متعلق به دوره آل مظفر هستند، با قطعیت نمی‌توان آن‌ها را به‌عنوان موقوفات قرن هشت به شمار آورد. اگرچه منابع تاریخی به خانه‌هایی متعلق به قرن ۸ که سوابق متعددی از وقف‌های گسترده بانیان آن‌ها به‌عنوان خاندان‌های خیر و صاحب‌منصبان دوره آل مظفر وجود دارد اشاره دارند، اما روشن است که این نسبت، قطعی نیست و تنها بر قراین تاریخی و نقش بانیان خیر متکی است: خانه دولت‌خانه، ساخته محمد مظفر (جعفری، ۱۳۸۹: ۵۰)؛ خانه و دولت‌خانه شاه‌یحیی در محله دروازه سعادت، ساخته شاه‌یحیی (افشار، ۱۳۷۴: ۲۳۰)؛ خانه عالی نزدیک دروازه سعادت ساخته شاه‌حسین، برادر شاه‌یحیی؛ خانه و بادگیری بزرگ در محله پای‌مامانک سردوراه، بنا شده توسط شاه‌خاتون، مادر شاه‌یحیی؛ خانه‌ای در محله شیخداد کنار مزار شیخ‌الاسلام بزرگ سعید تقی‌الدین دادا، ساخته عمه شاه‌یحیی، خانزاده خانم (خادم‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۰). تعدادی از خانه‌های دوره آل مظفر در شهر یزد مانند خانه توانا در محله شاه‌ابوالقاسم (نیک‌زاد و غفوری، ۱۴۰۲: ۴۵۳)، خانه محمدعلی گل و خانه ممتاز در محله شیخداد، خانه میرزا احمدخان طاهری و خانه حسن‌آبادی

در محله باغ‌صندل و خانه نجیب در محله ابوالمعالی، نیز طبق اسناد اداره اوقاف و امور خیریه استان یزد وقفی هستند. در خصوص این خانه‌ها نیز اگرچه متعلق به قرن ۸ هستند و در حال حاضر نیز وقفی هستند ولی در منابع تاریخی، اطلاعاتی از زمان وقف شدن آنها یافت نشد.

۹-۴- کاروان‌سرا

کاروان‌سراها یا خان‌ها در قرن هشتم هجری یکی از مهم‌ترین موقوفات یزد بودند به گونه‌ای که در وقف‌نامه «ربع‌رشدی» و «جامع‌الخیرات» به تعداد زیادی از آنها اشاره شده و تصریح گردیده است که در آن دوره، شهری به اندازه یزد دارای کاروان‌سرا، بازار و آب‌انبار نبوده است (میرجلیلی، ۱۳۹۷: ۶۰۴). بانیان این کاروان‌سراها معمولاً وقفیاتی برای تعمیر و نگهداری این بناها در نظر می‌گرفتند (میرحسینی، ۱۳۸۴: ۱۷۸-۱۷۹). از میان کاروان‌سراهای وقفی یزد در سده هشتم هجری، هرچند جزئیات مصارف مالی بسیاری از آنها در منابع موجود روشن نیست، گزارش‌های تاریخی نام و بانی‌شان را ذکر کرده‌اند. این کاروان‌سراها عبارت‌اند از: کاروان‌سرا شمسیه به کوشش سیدشمس الدین محمد (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۱۰)، کاروان‌سرا سهل ابن علی ساخته غیاث‌الدین علی منشی (افشار، ۱۳۷۴: ۳۲۶)، کاروان‌سرا رشیدیه توسط رشیدالدین فضل‌الله همدانی (میرجلیلی، ۱۳۹۷: ۶۰۶)، کاروان‌سرا غیاثیه سر ریگ به کوشش امیرمعین الدین اشرف (جعفری، ۱۳۸۹: ۹۵)، کاروان‌سرا اصیلیه دھوک ساخته محمدبن مظفر عقیل (همان: ۱۲۹). کاروان‌سراهای دیگری نیز در این دوره ساخته شده‌اند که متأسفانه اطلاعاتی از رقبات آنها در دست نیست؛ مانند: کاروان‌سرای ترکان که به دست محمد مظفر احداث شد (میردهقان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۹).

۹-۵- حمام

حمام‌ها در سده‌های هشتم و نهم هجری از رقبات شناخته‌شده شهری به شمار می‌رفتند؛ زیرا پس از کسر هزینه‌های نگهداری و تعمیر، عواید آنها برای بناهای وقفی، به‌ویژه مساجد و بناهای مذهبی هم‌جوار، صرف می‌شد (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۶، ج ۲: ۱۰۸۶). وقف گرمابه‌ها نقشی تعیین‌کننده در استمرار خدمات بهداشتی عمومی داشت و ساخت آنها نه تنها برای سلاطین و حکام محلی، بلکه برای وزراء، امرا، سادات، عرفا و خیرین نیز جذاب بود؛ حمام‌ها به دو گروه تقسیم می‌شدند: گرمابه‌هایی که خود بنا وقف بود و استفاده از آنها به صورت رایگان انجام می‌گرفت، و حمام‌هایی که عوایدشان وقف بر بناهای دیگر (مانند مساجد) می‌شد و مراجعان برای استفاده از آنها هزینه پرداخت می‌کردند^۴ (پرویزی‌نیا، ۱۴۰۱: ۷-۱۰).

به دلیل محدود بودن توان مالی مردم برای ساخت حمام خصوصی، حمام‌های عمومی به یکی از حیاتی‌ترین زیرساخت‌های شهری بدل شدند؛ هرچند در کاخ‌ها و خانه‌های اعیان، نمونه‌های اختصاصی نیز وجود داشت (مهبجور، ۱۳۸۲: ۶۵-۶۰). حمام‌های عمومی معمولاً در جوار بازارها، کاروان‌سراها، مساجد، گذرگاه‌های اصلی و مراکز محلات جانمایی می‌شدند (باصولی، ۱۳۹۷: ۳۵-۳۶). اهمیت اجتماعی و بهداشتی گرمابه موجب می‌شد حکومت‌ها بر عملکرد آنها نظارت داشته باشند، مقرراتی برای متولیان و کارکنان وضع کنند و حتی بودجه‌ای برای مرمت یا بازسازی آنها اختصاص دهند (ابن‌اخوه، ۱۳۶۰: ۱۶۰-۱۶۳). از میان حمام‌های وقفی یزد در سده هشتم هجری، هرچند جزئیات مصارف مالی بسیاری از آنها در منابع موجود روشن نیست، گزارش‌های تاریخی نام و بانی‌شان را ذکر کرده‌اند. این حمام‌ها عبارت‌اند از: حمام محله شاه ابوالقاسم به کوشش خواجه کمال‌الدین ابوالمعالی (خادم‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۶)، حمامی ساخته محمد مظفر^۱ (جعفری، ۱۳۸۹: ۵۱)، حمام مجموعه شمسیه با بانی‌گری سید شمس‌الدین محمد یزدی (همان: ۱۱۰)، حمام مدرسه ضیائیه (مولانا مجدالدین حسن) و حمام نعیم‌آباد ساخته امیر قطب‌الدین خضرشاه (افشار، ۱۳۵۴: ۱۰۸-۱۲۹). همچنین می‌توان به حمام‌های مردانه و زنانه خانقاه سر ریگ در دروازه مهریچرد، منسوب به امیر معین‌الدین اشرف^۲ (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۷۸-۱۳۷)، حمام سر ریگ دیگر ساخته امیر غیاث‌الدین علی عقیلی در سال ۷۶۷ هـ.ق^۳ (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۳۲)، حمام وزیر متعلق به امیر رکن‌الدین، وزیر شاه یحیی^۴ (جعفری: ۵۵)، حمام حافظیه در اهرستان یزد وقف خواجه غیاث‌الدین محمد حافظ

رازی (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۳۳)، حمام قاضی در کنار مدرسه رکنیه و حمام دروازه اتابک از موقوفات سید رکن‌الدین اشاره کرد^۱ (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۱۵). علاوه بر موارد یادشده، در منابع تاریخی از حمام‌های خانقاه و حمام‌های وابسته به شبکه آبی وقفی در محله کوشک‌نو نیز یاد شده است (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۳۵). همچنین می‌توان به حمام نعیم‌آباد یزد از بناهای امیر قطب‌الدین خضرشاه اشاره کرد (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۱۷؛ کاتب، ۱۳۸۶: ۱۲۳). در منابع همچنین به حمام حاجی ابوالمعالی در محله ابوالمعالی (۷۸۷ هـ.ق)، حمام حاجی عمادالدین، حمام امیر معین‌الدین اشرف و حمام محله نرسوآباد با وقف‌گری خواجه شهاب‌الدین قاسم اشاره شده است^۲ (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۳۲؛ کاتب، ۱۳۸۶: ۹۴-۱۷۶).

۹-۶- قنات

قنات‌ها در ساختار وقف سده هشتم هجری، مهم‌ترین رقبات درآمدزا و پایدار به شمار می‌آمدند و بخش عمده‌ای از هزینه‌های بناهای وقفی از محل عواید آن‌ها تأمین می‌شد. مبنای اداره رقبات موقوفه در این سده بر این اصل استوار بود که بخشی از درآمد قنات، ابتدا صرف نگهداری و احیای خود آن‌ها - شامل لایروبی، مرمت، پیشکارکشی و پرداخت حقوق مقنی و متولی - و سپس مازاد آن، بنا بر نیت واقف، به مصارف تعیین‌شده اختصاص یابد.

در این سده، سازمان وقف آب در یزد بر محور دو کانون اصلی شکل گرفت که هر یک شبکه‌ای از قنات‌ها و مجاری آب‌رسانی را برای پشتیبانی از نهادهای مذهبی، آموزشی و رفاهی شهر مدیریت می‌کردند. نخستین کانون، رقبات موقوفات خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بود که با درک کمبود آب سطحی در فلات مرکزی ایران، عملاً سامانه‌ای پشتیبان برای آبادانی شهر ایجاد کرد. این رقبات شامل ۴۵ رشته قنات در یزد و چندین قنات در پیرامون شهر بود که هر یک آب موردنیاز مدارس، مساجد، خانقاه‌ها، دارالشفاه و اراضی کشاورزی را تأمین می‌کردند (چراغی، ۱۳۸۸: ۱۹۸-۱۹۹). سهام این قنات‌ها به‌طور مستقیم به مصارف فرهنگی-آموزشی اختصاص می‌یافت و عواید آن‌ها صرف تربیت طلاب، تأمین کتابخانه‌ها، روشنایی مساجد و نگهداری بناهای وقفی می‌شد (میرجلیلی، ۱۳۷۹: ۵۳).

دومین کانون مهم، شبکه موقوفات سید رکن‌الدین ابومکارم محمد قاضی حسینی و پسرش سید شمس‌الدین بود که در وقف‌نامه «جامع‌الخیرات» تشریح شده است. این مجموعه، با دربرگرفتن ده محور مصرف - از ابنیه عام‌المنفعه تا حمایت از زائران و سادات - حدود یک‌پنجم از درآمد خود را صرف نگهداری قنات و شبکه‌های آب‌رسانی می‌کرد و بدین‌وسیله جریان دائمی آب برای مجموعه‌های مذهبی-آموزشی تضمین می‌شد (میرحسینی، ۱۳۸۲: ۱۶۵-۱۶۶؛ چراغی، ۱۳۹۱: ۵۱-۵۲). در وقف‌نامه جامع‌الخیرات آمده است که شمار قابل‌توجهی از منابع آبی یزد، شامل ۸۹ رشته قنات و دست‌کم ۱۵ شاخه فرعی، در مالکیت یا تحت تولیت سید رکن‌الدین و فرزندش قرار داشته و برای اداره مجموعه‌های آموزشی، مذهبی و خدماتی وقف شده‌اند (نیک‌زاد و دانش یزدی، ۱۳۸۳: ۸۴). قنات وقف‌آباد که یکی از قنات‌های فعال یزد است، از مهم‌ترین قنات‌های آب‌رسان این دوره به شمار می‌آمد که سید رکن‌الدین آن را بر زمین روانه کرد.

در کنار شبکه شناخته‌شده قنات وقفی یزد، شماری از قنات‌های متعلق به سده هشتم هجری، باوجود اشاره صریح منابع به وقف‌شدن آن‌ها، فاقد اطلاعات تفصیلی درباره نوع و میزان مصارف هستند. قنات علائی، قریه بخت، حاجب‌آباد، جلیلیه، سمن و محمودیه، یعقوبیه، کسنویه، طزرجان، قریه بنادک، ابرندآباد و نصرت‌آباد از جمله املاکی هستند که خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی آن‌ها را در فهرست وقفیات خود ثبت کرده است (پرویزی‌نیا، ۱۴۰۱: ۸؛ کمالیان و چراغی، ۱۴۰۰: ۹۶-۹۴). قنات معین‌آباد به اشرف معین‌الدین، داماد سید شمس‌الدین، و مجموعه گسترده‌ای از قنات وقفی شامل وقف‌آباد، رئیس‌الدینی، سعدآباد، مری‌آباد، کسنویه، فهرج، یعقوبی، مرو، خلیلی، ده‌آباد، دهوک، ابرندآباد، مرویرآباد، بادین، نرسوآباد، بری‌آباد، فیروزآباد محمودی، امیری، زارچ، قرائق، ویدران، کوچه عباسی ابرندآباد، اهرستان، محمودآباد و شمس‌آباد به سید رکن‌الدین محمد و فرزندش سید شمس‌الدین محمد یزدی منسوب بوده است. همچنین قنات فرامشاه به خواجه کمال‌الدین ابوالمعالی تعلق داشت (کمالیان و چراغی، ۹۶-۹۸). هرچند وقف‌نامه‌ها و متون تاریخی، نقش این قنات را در تأمین آب مجموعه‌های مذهبی، آموزشی و رفاهی بیان می‌کنند، جزئیات دقیق نحوه توزیع عایدات یا سهم‌بندی همه قنات در دسترس نیست.

۱۰- بحث و تحلیل

مشاهده شمار زیاد بناهای وقفی با کارکردهای متنوع در سده هشتم هجری در شهر یزد، تأثیرگذاری و کارایی نهاد وقف را در توسعه زیرساخت‌های این شهر نشان می‌دهد. بی‌شک توسعه زیرساخت‌های شهری به رشد و گسترش شهرها می‌انجامد. در ادامه، برای اثبات این ادعا، تأثیر وقف بر سه موضوع مجموعه‌های وقفی، قنات شهر یزد و پایه‌ریزی و توسعه محلات شهری بررسی خواهد شد.

۱۰-۱- تأثیر نهاد وقف بر شکل‌گیری مجموعه‌های مذهبی-آموزشی-خدماتی-درمانی در شهر یزد

تحلیل و بررسی بناهای وقفی گردآوری‌شده، مکان‌یابی آن‌ها بر روی نقشه و نیز جست‌وجو در منابع تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از بناهای وقفی سده هشتم هجری در شهر یزد، به‌صورت مجموعه‌هایی منسجم شکل گرفته‌اند. برخلاف الگوی رایج احداث بناهای منفرد، نهاد وقف باتکیه بر ایده ماندگاری بناها در بلندمدت و التزام به تأمین مالی مستمر آن‌ها، به‌طور طبیعی به سوی ایجاد مجموعه‌هایی یکپارچه با کارکردهای مذهبی، آموزشی، درمانی و خدماتی گرایش داشت. مجموعه‌های وقفی که دربرگیرنده مسجد، مدرسه، خانقاه، دارالشفاء، کتابخانه، آب‌انبار، کاروان‌سرا و حتی بازارچه بودند، نه تنها نیازهای متنوع ساکنان یک محله یا زائران را به‌صورت هم‌زمان پاسخ می‌دادند، بلکه با ایجاد هویت مکانی واحد، پیوندی ناگسستنی با حیات اجتماعی شهر برقرار می‌ساختند.

مهم‌ترین عامل پایداری این مجموعه‌ها، تأمین مالی و اداری مستمر آن‌ها از طریق رقبات موقوفه بود. بانیان این بناها که عموماً از رجال متمول و صاحب‌نفوذ به شمار می‌آمدند، با وقف املاک، باغ‌ها و به‌ویژه حقوق آب قنات‌ها، جریان درآمدی مطمئنی برای نگهداری و مرمت بنا و همچنین پرداخت حقوق متولیان، مدرسان و خدمه فراهم می‌کردند. این امر رونق و آبادانی بناها را در آینده تضمین می‌کرد و بدین‌سان نهادی با تداوم چندصدساله شکل می‌گرفت.

کارکرد چندگانه این مجموعه‌ها، همراه با سنت دفن واقف در درون آن‌ها، به تدریج بر قداست و شأن اجتماعی این مکان‌ها می‌افزود. این امر سبب می‌شد مردم این فضاها را نه صرفاً به‌عنوان ابنیه‌ای کاربردی، بلکه به‌مثابه مکان‌هایی متبرک و حاجت‌خواه تلقی کنند و در حفظ و نگهداری آن‌ها مشارکت فعال داشته باشند. برخی از این مجموعه‌ها با گذر زمان و افزایش این قداست، به بقاع تبدیل شدند و کارکردی کاملاً مذهبی-اجتماعی یافتند. این فرایند چرخه‌ای مثبت پدید می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که وقف، مجموعه را ایجاد و پایدار می‌کرد؛ پایداری و کارکردهای عام‌المنفعه موجب افزایش قداست و مقبولیت اجتماعی می‌شد؛ و این مقبولیت، خود عاملی مضاعف برای حفاظت و تکریم مجموعه توسط نسل‌های بعدی به شمار می‌رفت. این الگوی مدیریت یکپارچه و مبتنی بر وقف، عاملی کلیدی در تاب‌آوری بسیاری از بناهای تاریخی یزد نیز بوده است. در مجموع، نهاد وقف با ایجاد پیوندی ناگسستنی میان کالبد بنا، اقتصاد شهری و سرمایه اجتماعی، مجموعه‌های چندکارکردی را به ماندگارترین عناصر در سیمای تاریخی شهر یزد بدل ساخت. در این میان، نقش حیاتی آب در شکل‌گیری و تداوم این مجموعه‌ها شایان تأکید است. عبور قنات‌های وقفی از این مجموعه‌ها، گواهی روشن بر نگاه آینده‌نگر و برنامه‌ریزی زیرساختی واقفان به شمار می‌رود. جدول ۸، افزون بر معرفی کامل مجموعه‌های وقفی شهر یزد در سده هشتم هجری، به قنات‌هایی که بر اساس اسناد و منابع تاریخی، تأمین آب این مجموعه‌ها را بر عهده داشته‌اند نیز اشاره می‌کند.

جدول ۸: مجموعه‌های وقفی ایلخانی - مظفری در یزد منبع: نگارندگان

نام	کارکرد	بجامانده	محله	بانی	منبع آب‌رسانی	منابع
رکنیه	مدرسه، مسجد، کتابخانه، حمام، خانقاه، آب‌انبار، دارالشفاء، دارالسیاده، رصدخانه و بیت الادویه.	مسجد، مدرسه (بقعه)	وقت الساعت	سیدرکن الدین محمد قاضی	قنات وقف آباد قنات رییس الدینی	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۰۲

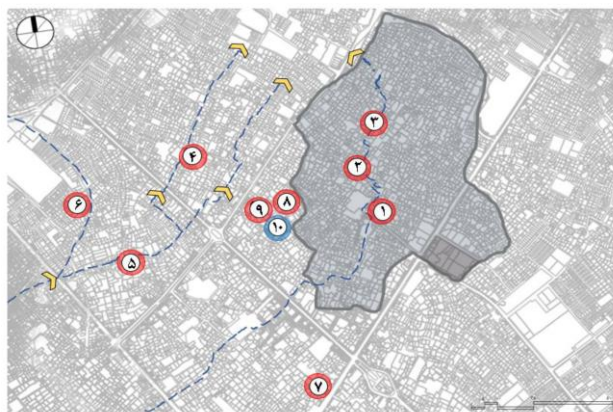
شمسیه	مدرسه، مسجد، کتابخانه، حمام، خانقاه، آب انبار، دارالشفاء، دارالسیاده، کاروان سرا، خانه و بازار.	(بقعه)، مسجد، کتابخانه، خانه و آب انبار، حمام	چهارمنار	سید شمس الدین محمد یزدی	قنات وقف آباد	همان: ۱۱۰
غیاثیه چهارمنار	مدرسه، مسجد، بقعه، خانقاه، باغ و آب انبار	مدرسه (بقعه)	چهارمنار	غیاث الدین علی عقیلی	قنات وقف آباد	همان: ۱۱۸
میرآخوریه ^۱	مدرسه، مسجد، کتابخانه و آب انبار	(در حال ویرانی در سده ۱۱)	لردکیوان	محمد بن قاسم بن سعید	آب جاری در پشت مدرسه	همان: ۱۲۵
ابوالمعالی	مدرسه، حمام، مقبره، جماعت خانه، دو مسجد، خانقاه، بازار و آب انبار	حمام آب انبار مساجد، مدرسه	ابوالمعالی	خواجه حاجی ابوالمعالی مستوفی	قنات تفت ^۵ و نصیری (مفیدی ج ۳، ۱۳۸۵: ۶۵۶).	همان: ۱۲۶
شاه ابوالقاسم	مدرسه، مسجد، بازار، خانقاه حمام و خانه های عالی	مدرسه مسجد بازارچه	شاه ابوالقاسم	شهاب الدین قاسم طراز	قناتی از قریه فراشاه (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۱۵-۱۱۶).	همان: ۱۲۸
سهل ابن علی	مدرسه، مسجد، بقعه، خانقاه، نهراپی، حمام و کاروانسرا	(بقعه) مسجد، حمام	سهل ابن علی	مولانا غیاث الدین علی منشی	نهر آبی	افشار، ۱۳۷۴: ۳۲۶-۳۲۲
کمالیه	مدرسه، قبه، ساحت، خانقاه، بیت الدویه، حمام، خانه و آب انبار	مدرسه، عمارت و حمام	شاه ابوالقاسم	خواجه کمال الدین ابوالمعالی	قنات تفت و نصیری (مفیدی ج ۳، ۱۳۸۵: ۶۵۸).	همان: ۶۱۰-۶۱۳
عبدالقادریه ^۱	مدرسه، کتابخانه، عمارت، ساحت، حمام، چاه آب سرد و بازار	خانه روهنی	لردکیوان	خواجه عبدالقادرین سدید اشکذری	آب تفت (افشار، ۱۳۷۴: ۳۸۲)	جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۰
رشیدیه ^۱	مدرسه، خانقاه، بازار، کاروان سرا و عمارت	ویران در سده ۱۱	نامعلوم	خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی	قنات وقف آباد	همان: ۱۱۴-۱۱۵
قطبیه (حاج عماد) ^۱	مدرسه، اب انبار، حمام، مسجد، حسینیه و خانه	حمام و مسجد و حسینیه	لردکیوان	مولانا حاجی عمادالدین	آب تفت (افشار، ۱۳۷۴: ۳۸۲)	همان: ۱۲۲-۱۲۳
صاعديه (بسحاقیه) ^۱	مدرسه، مسجد، ساحت وسیع،	اثری نیست	نامعلوم	رکن الدین صاعد وزیر	دو نهر آب (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۲۴)	همان: ۱۲۷
ضاییه سرپلک ^۱	مدرسه، بازارچه، سقاخانه و دکان ها	اثری نیست	سرپلک	ضیال الدین محمد دادویان	آب روان (کاتب، ۱۳۸۶: ۱۲۹)	همان: ۱۲۷

۱۰-۲- تأثیر متقابل نهاد وقف و قنوات سده هشتم هجری قمری در شهر یزد

در قرن هشتم هجری، شهر یزد باوجود محدودیت منابع آب های سطحی، شاهد حضور حاکمان و واقفان بزرگی بود که با درک دقیق این چالش و وقف قنوات، تأثیرات عمیقی بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و کالبدی یزد بر جای گذاشتند. از آنجاکه حیات شهری و کشاورزی یزد به طور کامل به قنوات وابسته بود، توسعه این شبکه های آب رسانی به عنوان زیربنای اصلی رشد شهر تلقی می شد. واقفانی همچون خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی و سید رکن الدین، با وقف قنوات، نه تنها آب مورد نیاز ساکنان، بلکه آب مورد نیاز بناهای وقفی مانند مساجد، مدارس، حمام ها و مراکز درمانی را نیز تأمین کردند. احداث قنوات، علاوه بر تأمین آب آشامیدنی، زمینه احیای زمین های بایر و توسعه کشاورزی را نیز فراهم ساخت. این امر در راستای سیاست های اقتصادی دوره ایلخانی، به ویژه در زمان غازان خان و وزیر او خواجه رشیدالدین، مبنی بر وقف زمین های متروک و زراعت در آنها صورت گرفت (رشیدالدین فضل الله همدانی، ۱۳۵۶: ۴۴-۱۰۳). تأمین آب مورد نیاز

برای کشاورزی بوسیله وقف قنات‌ها سبب رونق و گسترش کشاورزی می‌شد و توسعه کشاورزی نیز به افزایش تولید و در نتیجه افزایش درآمدهای مالیاتی منجر می‌گشت. از سوی دیگر، رونق کشاورزی باعث ایجاد فرصت‌های شغلی برای ساکنان شهر و بهبود وضعیت معیشتی آنان گردید. درآمد حاصل از اجاره زمین‌ها و همچنین درآمد حاصل از قنات‌ها نیز به صورت هدفمند صرف اداره و توسعه سایر موقوفات می‌شد. بخشی از این درآمد نیز صرف احیا و گسترش قنات می‌شد، به گونه‌ای که نمی‌توان ادامه حیات قنات‌ها در شهر یزد را بدون ارتباط آنها با نهاد وقف متصور شد. بدین ترتیب، یک چرخه پایدار شکل می‌گرفت که در آن منابع آب، آبادانی زمین‌های بایر و کشاورزی، اشتغال و خدمات اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌خوردند. در آن دوره این چرخه نه تنها موجب تقویت نهادهای فرهنگی، مذهبی، آموزشی و درمانی شد، بلکه به بهبود کیفیت زندگی در شهر یزد نیز انجامید. در نهایت، مجموعه این عوامل، از جمله تأمین پایدار آب، رونق اقتصادی، افزایش اشتغال و گسترش خدمات عمومی، زمینه‌ساز رشد جمعیت و توسعه کالبدی شهر یزد در قرن هشتم هجری شد. بدین ترتیب، می‌توان گفت که وقف قنات نقش محوری در شکل‌گیری و گسترش شهر یزد ایفا کرده است.

یکی از مهم‌ترین قنات‌های شهر یزد که قرن‌ها به حیات خود ادامه داد قنات وقف‌آباد بود که توسط سیدرکن‌الدین وقف شد و به نوعی نخستین شبکه منسجم آب‌رسانی شهری در یزد محسوب می‌شود. بررسی منابع تاریخی به‌ویژه وقف‌نامه جامع‌الخیرات، آشکار می‌سازد که این قنات از بسیاری از بناهای وقفی عبور می‌کرد و آب آنها را تأمین می‌نمود. نکته حائز اهمیت اینکه مطالعات انجام شده بر روی مجموعه‌های وقفی (جدول ۸) در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آب قنات وقف‌آباد از بسیاری از این مجموعه‌ها همچون رکنیه، شمسیه، غیاثیه چهارمنار، ابوالمعالی، شاه ابوالقاسم، عبدالقادریه، رشیدیه، قطبیه و کمالیه عبور می‌کرد. عبور قنات از درون یا مجاورت یک مجموعه وقفی، ضامن اصلی حیات آن به شمار می‌آمد. انتخاب مکان احداث این مجموعه‌ها تابع دسترسی به چنین منابع آبی وقفی بود که خود نشان از آینده‌نگری واقفان بزرگ آن دوره داشت. این پیوند در تصویر ۱ که جانمایی مجموعه‌ها و مسیر اصلی قنات وقف‌آباد را نشان می‌دهد، به روشنی قابل مشاهده است. لازم به ذکر است که به دلیل عدم وجود اطلاعات کافی در مورد مسیر دقیق انشعابات قنات وقف‌آباد و همچنین دیگر قنات وقفی قرن هشت در یزد، تنها مسیرهای اصلی قنات وقف‌آباد، به استناد پژوهشی که توسط سمسار یزدی و کریمیان (۱۳۹۷) انجام شده است، بر روی نقشه در تصویر ۲ مشخص شده است.



تصویر ۱: جانمایی مجموعه‌های وقفی و قنات وقف‌آباد در قرن ۸ در شهر یزد (نگارندگان). با کمک منابع: (مهندسان مشاور شمس، ۱۳۸۵؛ شهری، ۱۴۰۱؛ نیکزاد و دانش یزدی، ۱۳۹۳؛ سمسار یزدی و کریمیان، ۱۳۹۷؛ قادیان و بیگ زاده، ۱۳۹۵).

۱۰- ۳- تأثیر نهاد وقف بر پایه‌ریزی و توسعه محلات یزد

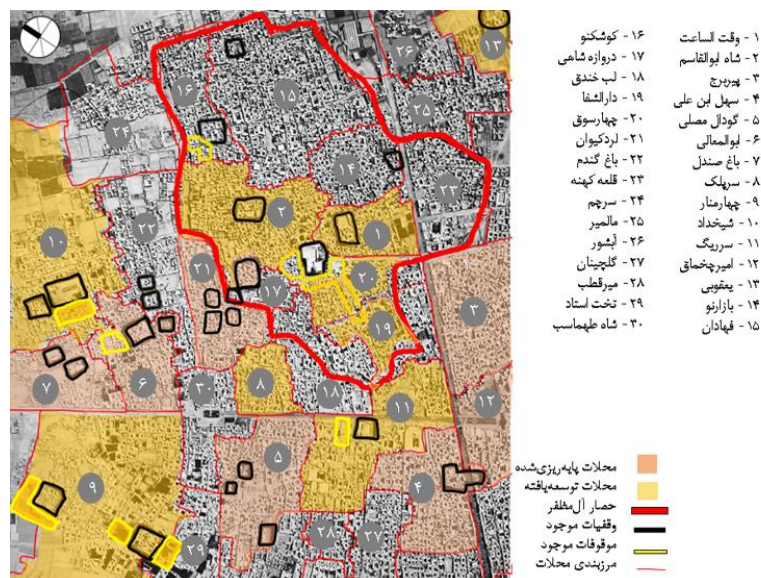
براساس رویکرد تاریخی-تفسیری و تحلیل اسناد وقفی و متون محلی قرن هشتم هجری، نقش نهاد وقف به‌عنوان عاملی کلیدی در سازمان‌دهی فضای شهری یزد آشکار می‌شود. نخستین نکته حائز اهمیت در این تحلیل، چالش مکان‌یابی دقیق برخی از محلات و بناهای موقوفه ذکر شده در منابع تاریخی است. جعفری در اشاره‌ای کلی به روند توسعه شهری یادآور می‌شود که در سال ۷۴۷ هـ.ق، عمارات و محلاتی بیرون از شهر ساخته شدند و نام‌هایی مانند محله صندوقیان، سنبلان، باغ بهشتی، مدرسه اتابک سام و ... را برمی‌شمرد (جعفری، ۱۳۴۳: ۵۱-۵۲). این فهرست نشان می‌دهد که باوجود ثبت‌نام محلات و بناهای وقفی در اسناد، مکان دقیق برخی از آن‌ها در بافت تاریخی شهر امروز نامعلوم است. باین‌وجود، بر پایه شواهد موجود و در دسترس، می‌توان ادعا کرد که احداث یک بنای شاخص یا مجموعه‌ای وقفی، در بسیاری از موارد، می‌توانست سنگ‌بنای شکل‌گیری محلات باشد.

محله مصلائی عتیق، یا گودال مصلی، با مسجدی که سید رکن‌الدین محمد قاضی در سال ۷۱۵ هـ.ق بنیاد نهاد، پایه‌ریزی شد؛ اگرچه در سال ۸۴۳ هـ.ق آن را توسعه دادند و به مرکزی تعیین‌کننده برای مناسک عمومی تبدیل کردند (جعفری، ۸۵، ۸۶ و ۹۶؛ کاتب، ۱۱۷-۱۱۸). محله‌ای با نام محله مدرسه عبدالقادریه، یا محله در مدرسه که امروزه اثری از آن باقی نمانده است، با تأسیس مجموعه عبدالقادریه در سال ۷۳۴ هـ.ق شکل گرفت (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۴۲). محله ابوالمعالی نیز با ایجاد مجموعه وقفی خواجه ابوالمعالی، از رجال متمول یزد، پدید آمد (جعفری: ۱۲۶؛ کاتب: ۱۴۴-۱۴۵؛ مستوفی، ۳: ۶۵۸). درباره محله امیرچخماق، یا دهوک، تا قرن هشتم هجری اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما متون تاریخی به ساخت مدرسه اصیلیه در سال ۷۳۷ هـ.ق و عمارت‌هایی در جوار آن اشاره می‌کنند (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۸). اگرچه رونق بیشتر محله و تغییر نام آن به قرن نهم هجری و زمان حکومت امیر جلال‌الدین چخماق بر یزد بازمی‌گردد، پایه‌ریزی آن را می‌توان به دوره آل مظفر نسبت داد. از دیگر محلاتی که در سده هشتم هجری پایه‌ریزی شد، محله باغ صندل، یا باغ هندل، است که در وقف‌نامه جامع/الخیرات، مربوط به سال‌های ۷۳۳ تا ۷۴۸ هـ.ق، ثبت شده است (افشار، ۱۳۵۴: ۷۸۳). خانه‌های وقفی میرزا احمدخان طاهری و خانه حسن‌آبادی از بناهای برجای‌مانده از قرن هشتم هجری در این محله به شمار می‌آیند. محله سهل بن علی نیز با ساخت مجموعه‌ای از عمارات به دست غیاث‌الدین علی منشی در سال ۷۸۴ هـ.ق و در کنار یک مقبره شکل گرفت (جعفری: ۱۴۳). محله شاهزاده فاضل، یا محله بیربرج، نیز در جوار برج حصار و پیرامون آرامگاه پیربرج، در سال ۷۴۷ هـ.ق قوام یافت (جعفری: ۱۵۳-۱۵۴).

وقف تنها به پایه‌ریزی محلات جدید محدود نمی‌شد، بلکه عامل اصلی توسعه کالبدی و کیفی محلات کوچک یا آبادی‌های کم‌جمعیت و افزایش منزلت آن‌ها نیز به شمار می‌رفت و با تقویت زیرساخت‌های وقفی، پاسخ‌گوی نیازهای جمعیت رو به افزایش سده هشتم هجری بود. محله باب‌الوساده با احداث بناهای شاخص وقفی به دست سید رکن‌الدین، کارکرد اداری و مذهبی خود را تثبیت کرد و هویت یافت. به دلیل بهره‌گیری از کارکرد رصدخانه رکنیه، در قرون بعد، محدوده پیرامون آن به وقت‌الساعت تغییر نام داد (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۵). درباره محله شاه‌ابوالقاسم، منابع تاریخی از مجموعه کمالیه، ساخته‌شده در سال ۷۱۰ هـ.ق، به‌عنوان نخستین ساخت‌وسازها در این محله نام می‌برند. همچنین در سال ۷۳۷ هـ.ق، مجموعه‌ای توسط خواجه شهاب‌الدین قاسم طراز در این محله ساخته شد و مبنای نام‌گیری محله قرار گرفت (همان: ۱۱۶ و ۱۲۸؛ کاتب، ۱۳۴۵: ۱۳۶ و ۱۳۷). ساخت بازار چهارسوق توسط شاه‌یحیی سبب شکل‌گیری محله‌ای به همین نام در کنار آن شد (کاتب، ۱۳۴۵: ۸۷). اهمیت این بازار به‌گونه‌ای بود که سید رکن‌الدین آب قنات وقف‌آباد را بر آن جاری کرد: «... از آنجا از راه بازار بزرگ جاری خواهد شد و مردم بازار برای پخت‌وپز و سایر احتیاجات خود از آن استفاده بنمایند ...» (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۳۵ و ۳۶). محله چهارمنار نیز به‌واسطه ساخت مجموعه شمسیه توسط سید شمس‌الدین بدین نام شهرت یافت و توسعه پیدا کرد؛ چنان‌که جعفری می‌گوید: «دو مدرسه در مقابل یکدیگر ساخت و چهار منار در اطراف هر دو مدرسه بنهاندند» (همان: ۱۱۰ و ۱۱۱). محله سرپلک، یا سرپلوک، با ساخت مجموعه ضیائیه (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۴۳ و ۱۴۴) و محله سر ریگ به‌واسطه احداث مجموعه غیائیه (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۱۷) رونق و توسعه یافتند. درباره محله دارالشفا

نیز به دو دلیل می‌توان ادعا کرد که این محله در قرن هشتم هجری رونق و آبادانی بیشتری یافت. نخست آن که جعفری بیان می‌کند این محله از محلات خارج از حصار شهر بود و در سال ۷۴۷ هـ.ق، هم‌زمان با توسعه حصار، به داخل شهر افزوده شد (جعفری، ۱۳۵۳: ۵۰). دوم آن که در جامع/الخیرات ذکر شده است که آب قنات وقف‌آباد را داخل دارالشفای صاحبیه نمودند: «ترتیب و رویه آب قنات این است که وارد نه‌رهای می‌شود که به‌طور سراسیب از منبع به مظهر خواهد رسید تا آن که به شهر یزد برسد و در دروازه مهریجرده که یکی از دروازه‌های شهر یزد است، داخل دارالشفاء صاحبیه شود و...» (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۳۵ و ۳۶). اگرچه مجموعه صاحبیه در قرن هفتم هجری ساخته شده است، جاری کردن آب قنات مهم وقف‌آباد بر آن توسط سید رکن‌الدین، نشان از توجه ویژه به این مجموعه و محله در سده هشتم هجری دارد. محله یعقوبی اگرچه در دوره‌های پیشین پایهریزی شده بود، در واقعه سیل سال ۶۷۳ هـ.ق آسیب بسیاری دید. ساخت بناهای عام‌المنفعه در سده هشتم هجری، مانند مسجد جامع یعقوبی، و وقف آب و زمین‌های زراعی برای آن‌ها، سبب رونق و آبادانی این محله شد (جعفری، ۱۳۸۹: ۹۸). همچنین محله آبشاهی، یا نعیم‌آباد که بر اساس منابع تاریخی محله‌ای کم‌رونق بوده است، به‌واسطه احداث وقفیات شاه‌حیی و وابستگانش، به‌ویژه مسجد جامع نعیم‌آباد در سال ۷۸۵ هـ.ق، از رکود خارج شد (جعفری، ۹۵-۹۹ و ۱۷۲). وقف زمین‌ها و باغ‌ها و اختصاص منابع آب‌های وقفی برای آن‌ها، در بسیاری از نقاط سبب آبادانی، جذب جمعیت و در نهایت پایهریزی محلات یا رشد و توسعه آن‌ها می‌شد. همان‌گونه که در بخش ۹-۲ توضیح داده شد، در منابع به باغ‌های وقفی محلات چهارمنار و شیخداد در سده هشتم هجری اشاره شده است.

مطالعه و بررسی ارتباط نهاد وقف با شکل‌گیری و توسعه محلات تاریخی در سده هشتم هجری، تأثیر این نهاد را بر نام محلات به‌وضوح نشان می‌دهد. تعدادی از محلات تاریخی یزد در سده هشتم هجری، همچون ابوالقاسم، شاه‌ابوالقاسم و عبدالقادریه، به نام واقفان بزرگ محلات نام‌گذاری شده‌اند. تعدادی از محلات نیز نام بزرگانی چون سهل بن علی و شیخداد، یا شیخ تقی‌الدین دادا، را که در مجموعه‌ها و بقعه‌های وقفی محله مدفون هستند، به خود گرفته‌اند. در خصوص تعدادی دیگر از محلات، مبنای نام‌گیری آن‌ها بناهای وقفی شاخص محله بوده است؛ مانند محله چهارسوق و محله چهارمنار. این شواهد به‌روشنی نشان می‌دهد که در سده هشتم هجری، وقف یک بنا یا مجموعه‌ای از بناهای عام‌المنفعه می‌توانست عاملی مهم و تأثیرگذار در ظهور یک محله جدید یا توسعه محلات شهر یزد باشد و نقشی پیش‌دستانه در توسعه شهری ایفا کند. تصویر ۲ محلاتی را که در قرن هشتم هجری در شهر یزد پایهریزی شده یا توسعه یافته‌اند، نشان می‌دهد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که ادعاهای مطرح‌شده درباره پایهریزی و توسعه محلات مذکور در سده هشتم هجری، بر اساس مطالعه متون تاریخی و اسناد وقفی مورد استناد در این پژوهش و نیز تحلیل و تطبیق داده‌ها با یکدیگر است؛ باین‌حال، امکان دارد انجام فعالیت‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در آینده، برخی از این ادعاها را رد یا باردیگر تأیید کند.



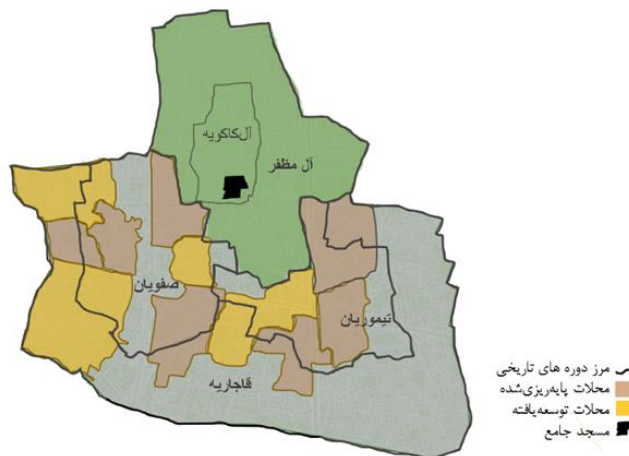
تصویر ۲: موقعیت بناهای وقفی و محلات پایهریزی شده و توسعه‌یافته در دوره آل مظفر شهر یزد (نگارندگان).

۱۰-۴- تأثیر وقف بر توسعه شهر یزد در دوره‌های بعد

برخی از پژوهشگران بر نقش تأثیرگذار وقف، به‌عنوان یکی از نیروهای فضاآفرین و چهره‌پرداز سیمای فضای کالبدی شهرهای ایران، تأکید کرده‌اند (شهابی، ۱۳۸۳). بررسی تأثیر نهاد وقف در سده هشتم هجری بر روند توسعه شهر یزد در دوره‌های بعد، به‌روشنی نشان می‌دهد که این نهاد فراتر از یک کارکرد خیریه مقطعی، به‌مثابه سازوکاری کارآمد در برنامه‌ریزی فضایی بلندمدت عمل کرده و الگوی توسعه شهری را برای قرون بعدی تعیین کرده است. به‌طور کلی، اجزا و عناصر وقفی در ساختار فضایی - کالبدی شهر، از نظر توزیع فضایی، به الگوهای متنوعی تقسیم می‌شوند. بر حسب عامل تمرکز و پراکندگی، می‌توان چند نوع الگوی فضایی برای استقرار عناصر وقفی در ساختار فضایی - کالبدی شهرها شناسایی کرد: الگوی پراکنده، الگوی متمرکز، الگوی متمرکز - پراکنده و الگوی پراکنده - متمرکز (شهابی، ۱۳۸۳). الگوی استقرار عناصر وقفی در ساختار فضایی - کالبدی شهر یزد در سده هشتم هجری، از نوع الگوی متمرکز - پراکنده بود؛ بدین معنا که عناصر و عملکردهای وقفی، در عین آن که متمرکز بودند و به‌صورت مجموعه‌هایی به‌هم‌پیوسته عمل می‌کردند، این تمرکز تنها در یک نقطه یا ناحیه خاص از شهر نبود، بلکه در نقاط مختلف شهر پراکنده شده بود. بسیاری از مراکز محلات قدیمی و سنتی در دیگر شهرهای تاریخی ایران، همچون اصفهان، را نیز می‌توان جلوه‌ای از این نوع الگوی توزیع فضایی دانست.

وقف با احداث مجموعه‌های بزرگ و چندکارکردی در بیرون از حصار آل مظفر، زیرساخت‌های پایه و چارچوب کالبدی و خدماتی توسعه آتی یزد را فراهم ساخت. این مجموعه‌ها تمامی ملزومات لازم برای اسکان و استقرار جمعیت جدید را مهیا می‌کردند و به‌عنوان هسته‌های شکل‌گیری محلات عمل می‌نمودند. از این‌رو، توسعه شهر در دوره‌های بعدی عمدتاً به معنای پُر شدن فضاهای خالی میان این کانون‌های وقفی و پیوند تدریجی آن‌ها با یکدیگر بود.

در تصویر ۳، به‌منظور مطالعه‌ای تطبیقی، محلاتی که در بیرون از حصار شهر یزد در قرن هشتم هجری پایه‌ریزی یا توسعه یافته‌اند، همراه با محدوده شهر یزد در دوره‌های بعد، یعنی تیموریان، صفویه و قاجاریه، نشان داده شده است. این مقایسه به‌خوبی نشان می‌دهد که محلات پایه‌ریزی‌شده و توسعه‌یافته بر پایه نهاد وقف در قرن هشتم هجری، رشد آتی شهر را به سوی خود هدایت کرده‌اند.



تصویر ۳: دیاگرام موقعیت محلات پایه‌ریزی‌شده و توسعه‌یافته شده خارج از حصار در دوره آل مظفر در محدوده شهر یزد (نگارندگان) همراه با حصار دوره‌های مختلف تاریخی از منبع مهندسان مشاور شمس یزد (۱۳۸۵).

۱۱- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در جمع‌بندی می‌توان بیان کرد که بررسی نقش نهاد وقف در سده هشتم هجری در شهر یزد نشان می‌دهد این نهاد فراتر از کارکردهای سنتی خود، به یکی از سازوکارهای بنیادین در سازمان‌دهی فضا و هدایت توسعه شهری تبدیل شده است. یافته‌های این پژوهش را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد:

- نهاد وقف در سده هشتم هجری، در بستر ثبات نسبی سیاسی و تکامل ساختارهای اداری و فقهی، از یک کنش فردی خیرخواهانه فراتر رفته و به نهادی مؤثر و راهبردی در سازمان‌دهی و هدایت توسعه شهری یزد تبدیل شد.

- تعامل میان تمرکز ثروت در دست نخبگان و انگیزه‌های دینی، اجتماعی و اقتصادی واقفان، زمینه‌ساز گسترش نظام‌مند موقوفات و شکل‌گیری شبکه‌ای پیوسته از قنوات، اراضی و بناهای وقفی در ساختار شهر گردید.

- قنوات‌های وقفی به‌عنوان زیرساخت بنیادین در اقلیم خشک یزد، نقش محوری در تأمین آب، پایداری عملکرد موقوفات و تعیین الگوی گسترش فضایی و جهت‌گیری توسعه کالبدی شهر ایفا کردند.

- مجموعه‌های وقفی با اتکاء به موقوفات درآمدزا نظیر بازارها، اراضی کشاورزی و حقوق آب، ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع شهری، به پویایی اقتصادی، اشتغال‌زایی و تقویت بهره‌برداری از زمین‌های بایر انجامیدند.

- تمرکز و استقرار نظام‌مند موقوفات به‌ویژه در نواحی پیرامونی شهر، به شکل‌گیری هسته‌های جدید شهری و تثبیت الگوی توسعه فضایی یزد انجامید و وقف را به یکی از عوامل ساختاری و تعیین‌کننده در تکوین و تداوم حیات شهری این شهر تاریخی بدل ساخت.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که وقف در سده هشتم هجری در شهر یزد، صرفاً یک نهاد مذهبی یا خیریه‌ای نبود، بلکه به‌عنوان یک نظام چندبعدی، پیوندی میان منابع طبیعی، ساختار اقتصادی و سازمان فضایی شهر برقرار کرد. این نهاد با ایفای هم‌زمان نقش‌های زیرساختی، اقتصادی و کالبدی، سهمی اساسی در شکل‌گیری الگوی توسعه پایدار شهری ایفا نمود و آثار آن در ساختار فضایی و تاریخی یزد در دوره‌های بعد نیز قابل‌ردیابی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. از این بناها اثری باقی نیست.
۲. برای مخارج موارد ده‌گانه وقف‌نامه جامع/الخیرات که در بخش ۷ عنوان شده است، حدود یک‌پنجم سهام بیش از چهل قنات، بیش از یک‌صد مزرعه و باغ، حدود دویست مغازه و اموال فراوان در شهرهای مختلف وقف شده است (حسینی یزدی، ۱۳۶۵: ۵-۱۲).
۳. «بر اساس مندرجات وقف‌نامه جامع/الخیرات، در دارالسیاده مجموعه رکنیه، علویان به‌صورت درون‌گروهی و مشارکتی، منابع مالی لازم برای انجام امور خیریه را خود تأمین کرده و میان اعضا جمع‌آوری می‌کرده‌اند» (جعفری، ۱۳۸۴).
۴. به دلیل فقدان اطلاعات دقیق درباره حمام‌های وقفی و اشاره کلی منابع به موقوفه بودن حمام‌ها، در این پژوهش حمام‌ها در زمره موقوفات طبقه‌بندی شدند؛ درحالی‌که وقفی بودن برخی از قنات‌ها به‌طور مشخص در منابع ذکر شده است.
۵. در کتاب‌های تاریخی، مانند: جعفری، ۱۳۸۴؛ کاتب، ۱۳۸۶؛ افشار، ۱۳۷۴؛ و مستوفی، ۱۳۸۵، به‌جای آب وقف‌آباد، واژه آب تفت استفاده شده است (سمساری یزدی و کریمیان، ۱۳۹۷).

منابع

- ابن‌بطوطه. (۱۳۷۶). سفرنامه ابن‌بطوطه، مترجم: محمدعلی موحد، جلد ۱، چاپ ششم. تهران: آگه.
- ابن‌حوقل. (۱۳۴۵). صوره‌الارض، ترجمه و تصحیح دکتر جعفر شعار. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- اصطخری، ابواسحاق. (۱۳۷۳). مسالك و ممالك، ترجمه اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار. تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- افشار، ایرج. (۱۳۵۴). یادگارهای یزد، جلد دوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امامی میبدی، داوود. (۱۴۰۱). واکاوی معماری خانقاه‌های یزد. معماری اقلیم گرم و خشک، شماره ۱۵، ۲۱۱-۲۳۰.
- اناوکین، برنارد. (۱۳۸۶). معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- باصولی، مهدی. (۱۳۹۷). نگاه منظرین به حمام عمومی، عناصر و کارکردهای آن. مجله منظر، ۴۵، ۳۴-۴۳.
- بمانیان، محمدرضا؛ بقایی، پرهام؛ و امیرخانی، آرین. (۱۳۸۷). رهیافتی بر نقش موقوفات در ساماندهی فضاهای شهری (با نگاه ویژه بر موقوفات شهر اصفهان). مدیریت شهری، ۶(۲۱)، ۷۱-۵۹.
- پرویزی نیا، صدیقه. (۱۴۰۱). نقش وقف در ایجاد و احیاء سیستم‌های آبرسانی در دوره ایلخانی. پژوهشنامه تمدن ایرانی، ۴(۷)، ۲۱-۱۰.
- پطروشفسکی، ایلیا پولوویچ. (۱۳۴۴). کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، جلد ۱. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- تشکری بافقی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). تصوف خانقاهی در یزد به روزگار ایلخانان و آل مظفر. پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱(۲)، ۵۹-۸۲.
- تصدیقی، شهاب‌الدین؛ خان‌محمدی، محمدعلی؛ و ترکاشوند، عباس. (۱۴۰۳). کاوشی تطبیقی - تحلیلی در تفاوت‌های میان شواهد متنی و کالبدی مجموعه تاریخی شمسیه یزد. نقش جهان: مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، ۱۴(۴)، ۱۰۵-۱۲۴.
- تقوایی، فاطمه؛ و امامی خویی، محمدتقی. (۱۳۹۳). بررسی ابعاد علمی و فرهنگی دارالشفاء در دوره مغول. تاریخ ایران، ۵(۷۳)، ۲۰-۱.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. (۱۳۸۴). تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. تاریخ تألیف: ۸۶۲ ه.ق.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. (۱۳۸۹). تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. تاریخ تألیف: ۸۶۲ ه.ق.
- حسینی‌زاده مهرجردی، سعیده. (۱۳۹۳). سنت جاری وقف، عامل پایداری توسعه معماری و شهرسازی یزد در سده‌های هشتم و نهم (ه.ق.). اولین همایش ملی عمران، معماری و توسعه پایدار، یزد.
- حسینی یزدی، سیدرکن‌الدین. (۱۳۶۵). وقف‌نامه جامع‌الخیرات، ترجمه جعفر غضبان. یزد: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه.
- خادم‌زاده، محمدحسن. (۱۳۸۶). محلات تاریخی شهر یزد. تهران: نشر سبحان نور با مشارکت سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان یزد.
- خادم‌زاده، محمدحسن. (۱۳۸۷). معماری دوره آل مظفر یزد. تهران: نشر همپا با مشارکت سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان یزد.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر، چاپ چهارم. تهران: خیام.
- دانش یزدی، فاطمه. (۱۳۸۷). وقف در فرهنگ مردم یزد به استناد کتیبه‌های سنگی. فرهنگ مردم ایران، ۱۴، ۸۷-۱۰۱.
- دانش یزدی، فاطمه. (۱۳۹۲). کتابخانه‌های یزد در سده هفتم و هشتم هجری. پایگاه خبری و تحلیلی یزد فردا، شناسه ۸۰۰۱۴.
- دریایی، تورج. (۱۳۸۳). شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: نشر ققنوس.
- ریسمنیان، رؤیا؛ ابوتی، رضا؛ و آرام، علی. (۱۴۰۳). قوام مکتب معماری یزد در سده هشتم هجری قمری با تأکید بر تعدادی از مدارس دوران ایلخانی و آل مظفر. نشریه اقلیم گرم و خشک، ۲۱(۱۲)، ۱۷-۶.
- زارعی، محمدابراهیم؛ و حیدری باباکمال، یدالله. (۱۳۹۸). بررسی نقش وقف در توسعه و رشد فضاهای شهری در دوره قاجار (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر کرمانشاه). پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)، ۹(۲۳)، ۲۳.
- ستوده، حسینعلی. (۱۳۴۶). تاریخ آل مظفر (۲ جلد). تهران: دانشگاه تهران.

- سمساری یزدی، علی اصغر؛ و کریمیان، آمنه. (۱۳۹۶). بازنمایی قنات وقف آباد یزد در منظر شهری سده‌های هشتم و چهاردهم هجری شمسی. اثر: فصل‌نامه علمی، فنی، هنری، ۷۹.
- شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۹۵). تأثیرات متقابل مکان‌های وقفی و توسعه شهر تهران در دوره قاجاریه. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۲۳(۳)، ۷۵-۸۴.
- شمس، مجید؛ و حجتی ملایری. (۱۳۸۹). تأثیر جهان‌بینی دینی وقف بر شکل‌گیری و گسترش فیزیکی شهر: مطالعه موردی شهر ملایر. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۲، ۱۹۱-۲۰۵.
- شهری، سمیه. (۱۴۰۱). منطق چیدمان فضایی سکونتگاه‌های یزد براساس قنات. نشریه علمی معماری اقلیم گرم و خشک، ۱۵(۱)، ۱۷۹-۱۹۶.
- عابدنیا، جمال؛ جمالی، محمدکریم؛ و میرحسینی، محمدحسن. (۱۳۹۳). اوضاع فرهنگی یزد در قرن هشتم هجری. پژوهشنامه تاریخ، ۳۵، ۱۷۳-۱۹۸.
- فاریابی، مرضیه؛ هاشمی زرج‌آباد، حسن؛ شاطری، مفید؛ و زارعی، علی. (۱۳۹۵). نقش نهاد وقف در شکل‌گیری و گسترش شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر بیرجند). مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، ۲۴، ۲۱-۳۲.
- فرهودی، رحمت‌الله؛ و میرشفیعی، محبوبه سادات. (۱۳۸۷). تأثیر وقف در گسترش و توسعه فیزیکی - کالبدی شهر ری. وقف میراث جاویدان، ۶۱، ۱۰۹-۱۲۰.
- فضل‌الله همدانی، رشیدالدین. (۲۵۳۶). وقف‌نامه ربع رشیدی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- قادریان، رقیه؛ و بیگزاده شهرکی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). بازیابی ساختار تاریخی محله لردکیوان یزد بر اساس اسناد تاریخی و منابع شفاهی. چیدمان، ۵(۱۵).
- قدکیان، سیدمحمدرضا؛ بیگزاده شهرکی، حمیدرضا؛ و اولیا، لیلی. (۱۳۹۶). بازخوانی و بازشناسی ساختار و سیر تحول تاریخی محله امام‌زاده جعفر(ع) یزد تا پیش از تغییرات دوران معاصر. نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، ۵(۵).
- کاتب، احمد بن حسین بن علی. (۱۳۴۵). تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، چاپ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی. (۱۳۸۶). تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کاظمی اندریان، محمدحسین؛ و نژاد ابراهیمی، احد. (۱۴۰۰). تبیین تأثیرات نهاد اجتماعی - اقتصادی وقف بر سازمان فضایی شهر (نمونه موردی: شهر مشهد در عصر صفوی). باغ نظر، ۱۰۲، ۸۳-۱۰۰.
- کریمیان، حسن؛ و مهدی‌زاده، بهزاد. (۱۳۹۳). نقش وقف در توسعه کالبدی شهرهای ایلخانی؛ نمونه موردی: تبریز، سلطانیه و اوجان. وقف میراث جاویدان، ۲۲(۸۶)، ۲۳-۵۰.
- کلاته ساداتی، الهام؛ و فلک‌الدین، زهرا. (۱۳۹۹). طبقه‌بندی ابعاد اجتماعی وقف جامع‌الخیرات شهر یزد. فصلنامه وقف، ۲(۷)، ۲۶-۱.
- کلانتری خلیل‌آباد، حسین؛ صالحی، سیداحمد؛ و رستمی، قهرمان. (۱۳۸۹). نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی: مطالعه موردی شهر اصفهان. فصلنامه علمی - پژوهشی هنرهای اسلامی، ۱، ۱-۱۹.
- کمالیان مهریزی، فاطمه. بررسی نهاد وقف در آیین زرتشت باتکیه بر وقوفات ایشان در شهر یزد در دوران قاجار و پهلوی. (۱۴۰۱). فصلنامه وقف میراث جاویدان، ۱۱۹، ۶۵-۸۰.
- کمالیان مهریزی، فاطمه؛ و چراغی، زهره. (۱۴۰۰). بررسی تحلیلی سیر موقوفات ویژه آب در یزد: مطالعه موردی وقف قنات در دوران ایلخانی و تیموری. فصلنامه علمی - پژوهشی هنرهای اسلامی، ۱۷(۲)، ۴۵-۶۰.

- لمبتون، آن کاترین سوانفورد. (۱۳۸۴). بررسی موقوفات ایران در قرون ششم تا هشتم هجری، ترجمه مجتبی کیانی. فصلنامه وقف میراث جاویدان، ۴۹، ۷۶-۹۳.
- مستوفی بافقی، محمدمفید. (۱۳۸۵). جامع مفیدی (جلدهای ۱، ۲ و ۳)، به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات اساطیر.
- مسرت، حسین. (۱۳۸۹). آب‌انبارهای شهر یزد. یزد: انتشارات یزدا.
- معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی معین، ج ۲. تهران: آدنا.
- منشی‌زاده، محمدباقر. (۱۳۸۷). خاطرات محمدباقر منشی‌زاده. تهران: ریحانه‌الرسول.
- مهجور، فیروز. (۱۳۸۲). حمام در شهرهای ایرانی - اسلامی. کتاب ماه هنر، ۶۰-۶۶.
- مهندسان مشاور شمس یزد. (۱۳۸۵). گزارش‌های مطالعات ثبت شهر تاریخی یزد در فهرست آثار ملی (گزارش منتشر نشده). آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان یزد.
- میرجلیلی، سیدمحمدجعفر. (۱۳۹۷). مصارف موقوفات یزد در سده هفتم و هشتم هجری. همایش‌نامه فرهنگ عامه، ۱-۱۵.
- میرحسینی، محمدحسن. (۱۳۸۴). نکته‌یابی از وقف‌نامه جامع‌الخیرات. فرهنگ، ۵۶، ۱۶۳-۱۸۴.
- میردهقان اشکذری، سیدفضل‌الله؛ زارعی، محمدابراهیم؛ و نوری، جعفر. (۱۳۹۸). ساختار کالبدی - فضایی شهر یزد از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره آل مظفر بر اساس مدارک و شواهد موجود. فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا، ۹(۴)، ۱۵۹-۱۷۸.
- میرزایی، احمد؛ و فدایی، حسن. (۱۳۸۵). روند توسعه تدریجی شهر یزد در ادوار تاریخی. نشریه باستان‌شناسی، ۴، ۹۱-۱۰۱.
- نیک‌زاد، ذات‌الله؛ و غفوری بارجین، نسیم. (۱۴۰۲). خانه توانای یزد: بازشناسی معماری خانه در سده هشتم هجری، روزگار آل مظفر. فصلنامه اثر، ۱۰۳، ۴۵۱-۴۷۳.
- نیک‌زاد، ذبیح‌الله؛ و دانش یزدی، فاطمه. (۱۳۹۳). قنوت منطقه یزد در قرن هشتم بر اساس یک سند تاریخی (وقف‌نامه جامع‌الخیرات). فصلنامه اثر، ۳۵(۶۵)، ۸۱-۹۶.
- ویلبر، دونالد؛ و گلمبک، لیزا. (۱۳۷۴). معماری تیموری ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یعقوبی، مهدی؛ سامانی، سیدمحمود؛ و منتظری مقدم، حامد. (۱۳۹۳). دارالسیاده: زمینه‌های شکل‌گیری، جایگاه و کارکرد آن در عصر ایلخانان مغول. ۱۱(۲)، ۱۱۳-۱۳۰.

Original Research Article

Exploring the Waqf Institution in the 8th Century AH and Its Role in the Physical Development of the City of Yazd

Negiin Kazemian-Shandiz¹, Neda Haji-Sadeghi^{2*}

1. M.A. Student in Conservation and Restoration of Historic Buildings and Sites, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran.

2. Ph.D. in Conservation and Restoration of Historic Buildings and Sites. Assistant Professor, Department of Art & Architecture, Yazd University, Yazd, Iran, Yazd, Iran.

 : [10.22034/ahdc.2026.24169.1902](https://doi.org/10.22034/ahdc.2026.24169.1902)

Received:
December 26,
2025

Accepted:
June 20, 2026

Keywords:
Physical
Development;
8th Century
AH;
Muzaffarid
Period;
Endowments;
Yazd.

Abstract

Waqf, as one of the most enduring cultural and social institutions in Islamic civilization, has consistently played a fundamental role in the formation and continuity of urban life in Iran. Based on this premise, the present study seeks to identify and analyze the influence of the philanthropic intentions and the religious, social, and economic perspectives of benefactors (waqifs) on the organization of the physical and social structure of the city of Yazd during the 8th century AH. Through this approach, the study aims to clarify the position of the waqf institution in the spatial development of the city. The significance of this research lies in the fact that a precise reinterpretation of this historical model can provide a scientific basis for the revitalization of historic urban fabrics and the formulation of sustainable urban planning strategies. Furthermore, it introduces a localized model of the interconnection between cultural institutions and sustainable development—rooted in Islamic-Iranian values—to the international discourse on urbanism. In response to the central research question—what role did the waqf institution play in shaping the spatial structure and organization of the city of Yazd in the 8th century AH?—this study is based on the hypothesis that waqf played a decisive role in directing physical development and strengthening the socio-cultural structure of the city, such that the spatial organization of Yazd emerged in direct relation to the type and distribution of endowed properties. Methodologically, this research adopts a descriptive-analytical and historical-interpretive approach. Data were collected through library sources, historical documents and field observations. The impact of endowed properties on the urban spatial network was examined through the analysis of their spatial relationships. The findings indicate that during the 8th century AH, benefactors contributed significantly to the spatial organization of Yazd by establishing qanats and public-benefit structures. These endowments played a crucial role in meeting the religious, educational, healthcare, and service needs of society. Over the centuries, the continuity of the waqf tradition has been one of the key factors in the dynamism, growth, and expansion of Yazd. Moreover, the waqf institution can be regarded as a major factor in the preservation and survival of a considerable number of 8th-century AH structures.

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

